

جدال اتحاد ملت با کارگزاران!

اصلاح طلبان بدون قید و شرط وارد گود انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ می‌شوند یا نه؟

۱۱۹۱۰



Ayatmandegar
biweekly

سیدحسین خمینی مطرح کرد

مضحکه است نگوییم نخست وزیر جنگ چه کسی بوده! ۹۶۸



گذری در زندگی یک فجری پر آوازه

نصرت الدوله فیروز؛ شاهزاده‌ای جاه طلب ۳۶۲

رضایت مردم بشرط صحت حکومت

خرمندی چیست؟



سیدشهاب‌الدین جاوشی
فعال سیاسی ۷۶۶



رضا دانشمندی
بزهشگر ۶

آیت‌مندگار

www.ayatmandegar.ir

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی | شماره ۱۰۳ | نیمه دوم شهریور ۱۳۹۹ | سال ششم | ۱۲ صفحه | قیمت ۱۰۰۰ تومان | Political, Social | No.103 First of September 2020

سایه کرونا بر سر انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا

حربه ترامپ یا شانس بایدن؟

۷



جلال رشیدی کوچی خبر داد

قالیباف قول داد در
انتخابات ریاست جمهوری
۱۴۰۰ شرکت نکند

۵

سرمقاله

حساب ۱۰۰ امام کیجاست؟

مهدی آینی
کارشناس عمران و شهرسازی ۱۲

GARGALO 24

گذری در زندگی یک قجری پرآوازه

نصرت‌الدوله فیروز؛ شاهزاده‌ای جاه‌طلب



اجرا درآمد. نصرت‌الدوله فیروز که در آن ایام از بغداد عازم ایران بود با تاخیر زیادی به تهران رسید و از زمان ورود او سه روز از کودتا گذشته بود و در همان روز نصرت‌الدوله فیروز بازداشت و به زندان قصر نزد پدر، برادر و سایر رجال زندانی منتقل شد.

خیلی زود دوران صد روزه نخست‌وزیری سیدضیاءالدین عامل کودتا به پایان رسید و او برکنار و تبعید شد. چند روز بعد زندانبان سیدضیاء آزاد شدند و به ملاقات شاه رفتند. در آن زمان هیچ‌کس به اندازه نصرت‌الدوله حس انتقام‌جویی از سیدضیاء و عوامل اجرایی آن را نداشت. از طرفی او از دست وزیر امور خارجه انگلیس و سفیر این کشور در تهران عصبانی بود که چطور روزی گزینه آن‌ها برای جایگزینی احمدشاه بود، ولی در ادامه با بی‌اعتنایی آن‌ها در گوشه زندان جای گرفت. از این‌رو نصرت‌الدوله قبل از افتتاح مجلس عده‌ای از رجال زندانی و روزنامه‌نگاران را به باغ فرمانیه دعوت کرد و ضمن بیانات پرشوری درخواست کرد که از اقدام علیه عوامل کودتا به هیچ وجه کوتاهی نکنند. در همین جلسه بنا بر این گذاشته شد که پس از افتتاح مجلس، اعتبارنامه دوستان سیدضیاء رد شود. این اعتراضات و کنایه‌های نصرت‌الدوله و دوستانش تنها به عملکرد سیدضیاء نبود، بلکه قزاق‌ها و عوامل نظامی و حتی احمدشاه را هم شامل می‌شد. در این بین، سردار سپه کاملاً متوجه این تحركات بود، اما به دلیل اشتغالاتی که در مسیر امنیت کشور داشت صلاح را در سکوت دید، اما وقتی متوجه شد قیام و شورش‌هایی در قسمت‌های مختلف کشور به راه افتاده است اعلامیه‌ای صادر کرد و خود را عامل کودتا معرفی کرد و به شدت تهدید کرد که اگر مطبوعات علیه کودتا مطلبی بنویسند، تنبیه خواهند شد. سردار سپه نیک می‌دانست که نصرت‌الدوله پشت پرده این تحركات است، اما به دلیل اینکه او نماینده‌ای با نفوذ و از دوستان نزدیک مدرس بود و ضمناً سردار با فرمانفرما روابط دوستی و کاری داشت برای تنبیه به سراغش نرفت.

نقش نصرت‌الدوله در مجلس چهارم

نصرت‌الدوله وقتی پا به مجلس چهارم گذاشت چون از پشتیبانی کامل مدرس برخوردار بود ترس و واهمه‌ای در دل راه نداد، ولی تا زمانی که اعتبارنامه‌اش تایید نشده بود خیلی وارد بحث و صحبت نمی‌شد. در ابتدای مجلس به‌عنوان منشی اول هیات ریسه انتخاب شد و توانست نظر موتمن‌الملک را نسبت به خود جلب کند، ولی چون کار منشی وقت گیر بود پس از تصویب اعتبارنامه‌اش کناره‌گیری کرد و در تمام مسائل اصولی کشور اظهارنظر می‌کرد. پس از اینکه تیمورتاش، نایب‌رییس مجلس در کابینه مشیرالدوله وزیر عدلیه شد، نصرت‌الدوله توانست سمت نایب‌رییسی مجلس را از آن خود کند. نصرت‌الدوله تا مهرماه ۱۳۰۱ این سمت را برای خود حفظ کرد، ولی از این تاریخ داوطلب نیابت ریاست نشد.

نقش نصرت‌الدوله در مجلس پنجم

نصرت‌الدوله پس از تصویب اعتبارنامه‌اش به دقت وضع سیاست مملکت

رفت. پس از استبداد صغیر، نصرت‌الدوله برای تحصیل عازم اروپا شد و در مدرسه حقوق پاریس اسم‌نویسی کرد و سه سال در آنجا درس خواند. سال ۱۳۳۰ هجری قمری نصرت‌الدوله به ایران بازگشت. وقتی او ۲۶ سال داشت به معاونت وزارت عدلیه انتخاب شد. پس از شروع جنگ جهانی اول و بی‌طرفی ایران، هیچ‌گاه آب خوش از گلو دولت‌مردان پایین نرفت. هرچند روز یک‌بار فردی مسئولیت کابینه را به‌عهده می‌گرفت و به‌دلیل وخامت اوضاع کناره‌گیری می‌کرد، تا بالاخره وثوق‌الدوله زمام امور را به‌دست گرفت و کابینه را تشکیل داد. در کابینه او، نصرت‌الدوله وزیر عدلیه شد. در این هشت ماهی که دولت وثوق‌الدوله در راس کار قرار داشت، نصرت‌الدوله وزیر عدلیه در دستگاه قضایی کشور هیچ‌گونه اقدام موثری انجام نداد.

پس از اینکه جنگ جهانی روزهای آخر خود را سپری می‌کرد و ناامنی و فقر اقتصادی در کشور به‌وضوح دیده می‌شد، احمدشاه، صمصام‌السلطنه را برکنار و وثوق‌الدوله را مامور تشکیل کابینه کرد. در دولت دوم وثوق‌الدوله، نصرت‌الدوله باز هم به‌عنوان وزیر عدلیه انتخاب شد. نصرت‌الدوله در این دوران، مدرسه عالی حقوق را تاسیس کرد.

یکی از کارهای مهم نصرت‌الدوله که برای همیشه در تاریخ ایران ماندگار شد، پیشنهاد صدور شناسنامه برای افراد جامعه بود. در تاریخ سوم اسفند ۱۲۹۵ به پیشنهاد نصرت‌الدوله وزیر عدلیه، تصویب‌نامه‌ای درباره ثبت احوال از نظر دولت گذشت که مقرر شد از تاریخ ۱۵ آذر ۱۲۹۸ برای گرفتن تعرفه انتخابات، گذرنامه، جواز حمل و نقل، اقامه دعوی و گرفتن حواله پولی، از اشخاص مطالبه به قولی سجل احوال بشود.

پس از خاتمه جنگ جهانی اول و تشکیل کنفرانس صلح ورسای، دولت ایران تصمیم گرفت برای حل مشکلات ناشی از جنگ به هر ترتیبی که ممکن باشد هیاتی را به کنفرانس مزبور اعزام کند. در حالی که مشاورالممالک و اعضای هیات در فرانسه به‌دنبال چانه‌زنی و گرفتن سهمی برای ایران بودند، وثوق‌الدوله، نصرت‌الدوله را از وزارت عدلیه به وزارت امور خارجه معرفی کرد.

وقتی نصرت‌الدوله به زندان افتاد

نصرت‌الدوله فیروز برای تصویب و اجرای قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ (براساس این قرارداد تمامی امور کشوری و لشکری ایران زیر نظر مستشاران انگلیسی و با مجوز آنان صورت می‌گرفت. بر اثر مخالفت‌های داخلی و خارجی و مغایرت آن با قانون اساسی مشروطه، این قرارداد هرگز به اجرا درنیامد) بیش از کارگزاران دولت انگلیس فعالیت می‌کرد و تمام آرزوهای خود را در اجرای این قرارداد می‌دید و یقین داشت پس از اجرای این قرارداد پس از شاه در راس قدرت قرار خواهد گرفت و چه بسا به لطف انگلیس‌ها بتواند جای شاه را هم بگیرد. او در سفری که با احمدشاه به لندن داشت تمام سعی خود را به‌کار گرفت تا بتواند نشان زانوبند که نشانی بزرگ در انگلیس است را برای احمدشاه بگیرد و آنچنان در این امر اصرار ورزید که لرد کرزن، وزیر امور خارجه انگلیس از رفتار او عصبانی شد.

وقتی لرد کرزن و طراحان سیاست انگلیس در ایران با بطلان قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ مواجه شدند فکری جدید کردند و آن قبضه حکومت ایران با انجام یک کودتا بود. از این‌رو کاندیدای مسلم و بدون شک کرزن، نصرت‌الدوله فیروز بود. گردانندگان سیاست انگلیس در تهران در مجموع میانه خوبی با نصرت‌الدوله نداشتند و خود به‌فکر رهبر سیاسی کودتا بودند. سرانجام به اصرار هاوارد قرعه به‌نام سیدضیاءالدین، مدیر روزنامه رعد افتاد و ژنرال ریموند آیرن‌ساید هم رضاخان را برای عاملیت نظامی در نظر گرفت و برنامه تنظیم‌شده بامداد روز سوم اسفند ۱۲۹۹ به مرحله

فیروز میرزا فیروز (نصرت‌الدوله) در سال ۱۲۶۴ شمسی از بطن عزت‌الملک، پنجمین دختر مظفرالدین شاه قاجار و نوه دختری امیرکبیر متولد شد. پدر فیروز، عبدالحسین فرمانفرما نام داشت.

پیش از آنکه عبدالحسین میرزا (فرمانفرما) به حکومت کرمان منصوب شود، معلمی در تهران برای فرزند خود در نظر گرفت که آموزش و تربیت او را به‌عهده بگیرد. فیروز پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه قاجار شد و پنج سال در آن مدرسه تحصیل کرد.

در اواخر سال ۱۳۱۷ که میرزا علی‌اصغر امین‌السلطان به صدارت رسید یکی از شروط او، تبعید عده‌ای از رجال از جمله عبدالحسین فرمانفرما بود. فرمانفرما در آن سال والی فارس بود. در اجرای این دستور اوامر شاه هم صادر شد و فرمانفرما به تنهایی راهی نجف و کربلا شد، هرچند که مدتی بعد، مظفرالدین شاه اجازه داد تا همسر و دو فرزندش هم به او پیوندند. از این‌رو فرمانفرما دو فرزندش، فیروز و عباس را به بیروت فرستاد تا در مدرسه فرانسوی‌ها مشغول تحصیل شوند که این دو حدود پنج سال در مدرسه متوسطه فرانسوی بیروت درس خواندند.

بازگشت فیروز میرزا فیروز به ایران

پس از عزل امین‌السلطان و صدارت عین‌الدوله به فرمانفرما اجازه ورود به ایران داده شد و صلاح بر این شد که او فرمانفرمایی کرمان را به‌عهده بگیرد. فرمانفرما در این سفر، فیروز که بیست ساله شده بود را با خود همراه کرد. به‌مرور زمان فیروز، نایب‌الایاله شد و پدرش مدتی بعد لقب نصرت‌الدوله را برای او از مظفرالدین شاه اخذ کرد.

نصرت‌الدوله در دو سالی که نایب‌الایاله کرمان بود به‌دلیل جوانی، خودخواهی و تحریک اطرافیان موجی از نارضایتی را به راه انداخت، به‌طوری‌که اهالی منطقه برای اینکه دیگر او در کرمان نباشد روی به تلگراف‌های اعتراضی آوردند.

پس از آنکه مشروطه‌جانشین استبداد شد، تاثیرگذاری فرمانفرما هم بالا





را از مدنظر گذرانید. به هم خوردن واقعه جمهوری، قهر سردار سپه، تظاهرات شدید نظامیان و تهدید مجلس شورای ملی و بازگشت سردار سپه از رودهن و بالاخره عقب‌نشینی کامل احمدشاه، همه دال بر این بود که عمر سلطنت قاجاریه خیلی زود به اتمام خواهد رسید و سلطنت ایران نصیب سردار سپه (رضاخان) خواهد شد. از این رو نصرت‌الدوله تصمیم گرفت به سردار سپه نزدیک‌تر شود. نصرت‌الدوله به همراه تیمورتاش و داور تلاش خود را به کار می‌گیرند تا نمایندگان مجلس پنجم را برای رسیدن رضاخان به سلطنت اداره کنند تا او پادشاه ایران شود. در ادامه، رضاخان سعی کرد به سیدحسن مدرس نزدیک شود و از این رو به او گفت شما می‌توانید دو پست کابینه را تعیین تکلیف کنید. مدرس هم، شکر... خان صدری را برای وزارت داخله و شاهزاده نصرت‌الدوله را برای وزارت عدلیه معرفی کرد.

عضویت نصرت‌الدوله در مجلس ششم و تصاحب وزارت مالیه

انتخابات دوره ششم و مبارزات انتخاباتی بدون سر و صدا در بهار ۱۳۰۵ آغاز و پایان گرفت و مجلس در ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ با نطق رضاشاه افتتاح شد. در این دوره هم، نصرت‌الدوله فیروز از کرمانشاه به وکالت مجلس رسید. در این دوره مجلس که با رییس‌الوزاری مستوفی توأم شد، حاشیه و اعتراضات بالا گرفت و مجلس به‌سراغ استیضاح دولت مستوفی رفت، اما پس از چانه‌زنی بنا شد مجلس از استیضاح بگذرد و در قبال آن، انتخاب چهار وزیر در اختیار مجلس قرار بگیرد. یکی از این چهار نفر، نصرت‌الدوله بود که وزارت مالیه به او رسید. با این تفاسیر، نصرت‌الدوله برای پنجمین بار مقام وزارت را به‌دست آورد. در کابینه وثوق‌الدوله دو بار وزیر عدلیه و یک بار وزیر امور خارجه شد، در کابینه سردار سپه مدتی وزیر عدلیه بود و حال هم وزیر مالیه شد. از طرفی، سه دوره نمایندگی مجلس را هم در کارنامه خود یدک می‌کشید. از سوی دیگر، نصرت‌الدوله دوست صمیمی علی‌اکبر داور و سردار معظم خراسانی (تیمورتاش) بود و هر سه در به قدرت رسیدن رضاشاه نقش کلیدی را ایفا کردند به‌طوری که از آن‌ها به‌عنوان «مثلث سیاسی» یاد می‌کردند. این افراد برای قدرتمند شدن خود در عرصه سیاسی و جریان‌سازی بیشتر روی به علم کردن حزب «ایران نو» آوردند، از این رو نصرت‌الدوله خود را از هر جهت شایسته پست رییس‌الوزاری می‌دانست.

برکناری و توقیف نصرت‌الدوله

اصولاً رضاشاه نسبت به نصرت‌الدوله خوشبین نبود و هیچ‌وقت قبول نمی‌کرد که وی نسبت به او سرسپردگی دارد و همیشه نگران اقدامات تخریبی‌اش بود و همکاری‌های رضاشاه در دوران سردار سپه‌ی و سال‌های اول سلطنت برای اجرای مقاصد خاصی بود که فقط نصرت‌الدوله

می‌توانست آن مقاصد را انجام دهد. بدبینی رضاشاه به نصرت‌الدوله زمانی بنیان گرفت که فرمانفرما، والی کرمانشاه و رضاخان افسر جزء رییس قراولان فرمانفرما بود. نصرت‌الدوله از جوانی خودخواه، متکبر و بدبخت بود. شاید بارها سلام نظامی رضاخان را پاسخ نداده بود و یا به وی تکلیف کرده بود افسار اسب او را بگیرد تا او سوار شود. به‌ر تقدیر زمانه طوری رقم خورد که نصرت‌الدوله مجبور شود زیر علم سردار سپه سینه بزند تا وارد کابینه شود. در ادامه، برخی اقدامات تند نصرت‌الدوله در وزارت دارایی باعث شد عده‌ای با او دشمن شوند. به‌طوری که شبی شاه به مخبرالسلطنه رییس‌الوزرا می‌گوید حاجتی به نصرت‌الدوله نداریم چه عیب دارد از خدمت معاف باشد، ولی وجود تیمورتاش مانع از عملیاتی شدن این تصمیم بود. رفتار سرتیپ محمد درگاهی، رییس نظمی در چند ماه اخیر حکایت از این داشت که حوادثی در شرف تکوین است. از برخوردهای درگاهی با نصرت‌الدوله می‌شد دریافت که شاه نسبت به نصرت‌الدوله نه تنها لطفی ندارد، بلکه وی را از دشمنان و ایادی مخرب خود می‌داند.

رضاشاه از روزی که از میرپنج رضاخان به حضرت اجل سردار سپه تبدیل شد در قزاقخانه مجالس روضه‌خوانی دایر می‌کرد و خودش هم در این مجالس شرکت می‌کرد. وقتی او به سلطنت رسید فقط محل مجالس عزاداری تغییر کرد و از قزاقخانه به تکیه دولت منتقل شد. در خردادماه ۱۳۰۸ که مصادف با محرم ۱۳۴۸ هجری قمری بود این مجلس عزاداری به مدت ۱۰ روز در تکیه دولت تشکیل شد و در روز عاشورا شاه در آن شرکت کرد. صبح عاشورا که تعطیل عمومی بود، داور پس از مرخص شدن از حضور شاه به عجله سوار اتومبیل شد و به منزل یاسایی از وکلای متنفذ مجلس رفته و پس از چند دقیقه او را همراه خود کرد و به منزل احمد شریعت‌زاده رفتند و سه نفری به‌سمت منزل نصرت‌الدوله حرکت کردند. پس از ورود به منزل نصرت‌الدوله، داور گفت امروز بهترین فرصتی است که می‌توانیم در کلیات لایحه صحبت کنیم. پس از بررسی در کلیات لایحه و صرف ناهار، داور به نصرت‌الدوله می‌گوید باید ساعت دو بعد از ظهر در تکیه دولت حاضر باشیم، زیرا اعلیحضرت هم در برنامه حضور دارند. پس از ورود این افراد در مراسم، مدتی بعد رضاشاه وارد برنامه می‌شود و به یک‌باره و با عصبانیت دستور بازداشت نصرت‌الدوله که وزیر مالیه بود را می‌دهد. خبر دستگیری نصرت‌الدوله به‌سرعت در شهر شایع و باعث حیرت مردم پایتخت شد، زیرا رضاشاه روزگاری از گماشتگان و نزدیکان مخصوص عبدالحسین میرزا فرمانفرما پدر نصرت‌الدوله بود. از همان لحظات نخستین بازداشت نصرت‌الدوله، نزدیکان او مانند پدر و برادرانش که دو تن از آن‌ها (محمودلی و سالارلشگر) نماینده مجلس بودند تحت نظر پلیس قرار گرفتند و رفت و آمدهایشان کنترل می‌شد. در همان ایام، سرتیپ محمدحسین خان فیروز، رییس ستاد نیروی جنوب و برادر نصرت‌الدوله از شغل خود منصرف و به زندان تهران منتقل شدند. پس از اینکه فرمانفرما برای کمک به فرزندش به ملاقات مستوفی‌الممالک رفت، او از شاه خواست که نصرت‌الدوله را به پاس خدماتش در وزارت مالیه آزاد کند. شاه هم به این درخواست جواب مثبت داد، ولی آزادی به‌گونه‌ای بود که نصرت‌الدوله در خانه به‌سر می‌برد و حق ملاقات با کسی را نداشت.

در آذرماه ۱۳۰۸ خبری مثل بمب در تهران منتشر شد؛ محمدخان درگاهی، رییس کل نظمی ایران زندانی شد. چندی بعد، سرتیپ کوبال جایگزین درگاهی شد. کوبال در همان روزهای نخست از مأمورین محافظ نصرت‌الدوله و بستگانش کاست و به نصرت‌الدوله اجازه داد شد که هر وقت خواست به وردآورد (آبادی‌اش) رفته و در آنجا بماند. به‌مرور معاشرت‌های نصرت‌الدوله آزاد شد، اما خیلی زود ورق برگشت و نصرت‌الدوله مورد بازجویی قرار گرفت و تا حدود زیادی امید او و خانواده‌اش به آینده بهتر کم‌رنگ شد.

ناروی داور به نصرت‌الدوله

روز دوشنبه ۲۶ اسفندماه ۱۳۰۸ جلسه مجلس شورای ملی به ریاست حسین دادگر تشکیل شد. در ادامه جلسه، رییس مجلس اظهار داشت که وزیر عدلیه لایحه‌ای داده‌اند که قرائت می‌شود: «نظر به اصل ۲۵ و

۶۹ و اصل ۷۰ متمم قانون اساسی و نظر به قانون محاکمه وزرا مصوب تیرماه ۱۳۰۷ و نظر به راپرت پارکه دیوان جزا که موارد مستقیماً تقدیم می‌شود، وزارت عدلیه تقاضا می‌کند که آقای فیروز میرزا، وزیر مالیه سابق به مناسبت ارتشاء مورد تعقیب واقع گردد. داور.» بدین ترتیب تهیه گزارش از نصرت‌الدوله آغاز شد تا اینکه او روز اول اردیبهشت به شعبه اول دیوانعالی تمیز احضار شد و وکلای خود را انتخاب کرد. فردای آن روز، نصرت‌الدوله از منزل شخصی به زندان نظمی انتقال یافت و بامداد روز نهم محاکمه وی آغاز شد.

پس از بحث و جدل‌های طولانی بالاخره به‌واسطه پرونده‌ای که روزگاری درگاهی برای نصرت‌الدوله تنظیم کرده بود، او را محکوم کردند و به پاس تنظیم این پرونده، درگاهی مورد عفو و اغماض شاه قرار گرفت.

چگونگی قتل نصرت‌الدوله

نصرت‌الدوله در مهرماه ۱۳۱۵ از طرف پلیس سیاسی دستگیر و پس از چند روز توقف در زندان تهران در معیت چند مأمور به زندان سمنان انتقال یافت. در ماه‌های اول، رفاه نسبی داشت تا اینکه فرمان قتل او صادر شد. در این زمان همه چیز را از او گرفتند و حتی تنها مونس او را که سگی بود که با خود به سمنان برده بود از او جدا ساخته و با گلوله‌ای مغز آن حیوان را متلاشی کردند. پس از این سخت‌گیری‌ها بالاخره هیأت چهار نفره‌ای که مراقبت و نگهداری نصرت‌الدوله را به‌عهده داشتند در ۱۶ دی‌ماه سال ۱۳۱۶ تصمیم به قتل این شاهزاده می‌گیرند و پس از نوشاندن زهر به نصرت‌الدوله او را به‌طرز بی‌رحمانه‌ای خفه می‌کنند. بعد از این عمل، دکتر معتمد را بر بالین مقتول می‌برند و او هم گواهی فوت نصرت‌الدوله به‌علت بیماری قلبی را صادر می‌کند! نصرت‌الدوله در زمان قتلش کمی بیش از پنجاه سال داشت و به نوعی رضاخان اجازه عمری طولانی‌تر را به او نداد. خانواده فیروز پس از مرگش جنازه را از زندان شهربانی سمنان به تهران منتقل و در این بابویه به خاک سپردند.

گردآورنده: محمد آیتی

منابع:

کتاب نصرت‌الدوله فیروز

کتاب ایران از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا سقوط رضاشاه

کتاب داور و عدلیه

مجله مهر





عضو کمیسیون عمران مجلس مطرح کرد

۸۰ هزار پروژه نیمه تمام در کشور وجود دارد

بحث اتمام پروژه‌های نیمه تمام عمرانی و به خصوص پروژه‌های بزرگ توسط بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت و پتانسیل آن‌ها چندین سال است که جدی شده است. به نظر در قانون بودجه سال ۹۶ این موضوع در قالب تبصره ۱۹ به بحث گذاشته شد که این پروژه‌ها در برخی سال‌ها به صورت مشارکتی و در برخی سال‌ها به صورت تامین بودجه زیرساختی انجام شود که متأسفانه دولت آن طور که باید و شاید به این موضوع نپرداخت.

وی افزود: دولت در زمان مجلس دهم لایحه‌ای به نام مشارکت عمومی و خصوصی که ذات آن اجرای پروژه‌های عمرانی و به خصوص پروژه‌های نیمه تمام بود و خواسته شده بود توسط بخش خصوصی به نتیجه برسد به مجلس ارائه داد و چون عمر مجلس دهم قد نداد که این لایحه را تبدیل به قانون کند، حال دولت مجبور شده است این لایحه را مجدداً به مجلس یازدهم ارائه کند و اکنون بحث و بررسی‌های کارشناسی درباره این لایحه در کمیسیون عمران در جریان است تا ظرفیت‌های قانونی آن ایجاد شود.

نماینده اردبیل تصریح کرد: اکنون بالغ بر ۸۰ هزار پروژه نیمه تمام در کشور داریم که هفت، هشت هزار آن ملی و مابقی پروژه‌ها استانی است. حال ۸۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه برای نهایه شدن این پروژه‌ها نیاز است و بی تردید این مبلغ از بودجه سالیانه دولت خارج است و حتماً باید از ظرفیت بخش خصوصی برای تکمیل این پروژه‌ها استفاده کرد.

بدری یادآور شد: دسته‌بندی پروژه‌ها وظیفه دولت است که متأسفانه تاکنون زیرساخت‌ها توسط آن‌ها مهیا نشده است. یعنی دولت تا امروز باید اطلاعات پروژه‌ها را استخراج می‌کرد تا قابلیت ارائه به بخش خصوصی را می‌داشت. دسته‌بندی کردن پروژه‌ها وظیفه مجلس نیست، اما نمایندگان هم می‌توانند در این راستا دولت را یاری کنند.

وی در پایان خاطرنشان کرد: ما طرح دولت را بررسی خواهیم کرد و تلاش داریم این خلاء قانونی جبران شود. باید برای هر پروژه‌ای توجیه اقتصادی آورد که بخش خصوصی انگیزه گرفتن و تمام کردن پروژه را داشته باشد. اگر دولت و مجلس بستری قانونی را به وجود آورند و بخش خصوصی را آزار ندهند، پروژه‌های نیمه تمام عمرانی با یک برنامه زمان‌بندی شده تمام خواهد شد. ما ان شاء... در بودجه ۱۴۰۰ این موضوع را ویژه خواهیم دید.

منبع: اقتصاد ۲۴

پروژه‌های عمرانی است که خود ضربه‌ای به تولید ملی می‌زند و تبعات دیگری از جمله بیکاری کارگران این پروژه‌ها را نیز در پی دارد. در همین راستا چندی پیش، محمدباقر قالیباف رییس مجلس یازدهم در جلسه‌ای با حضور برخی نمایندگان از اهمیت وضع قانون در این رابطه صحبت کرد و گفت که باید قانونی را به تصویب رساند که این پروژه‌ها دسته‌بندی و سپس به بخش خصوصی سپرده شود. در همین خصوص، صدیف بدری عضو کمیسیون عمران مجلس گفت:

نیمه کار ماندن پروژه‌های عمرانی موضوعی است که همیشه و در تمام دولت‌ها مطرح بوده است، اما در این چند سال و به واسطه شدت تحریم‌ها، تعداد این پروژه‌ها بیش از هر زمان دیگری شده، پروژه‌هایی که برخی از آن‌ها ماه‌هاست بدون هیچ پیشرفتی رها شده است. عمده این نیمه کار ماندن پروژه‌های عمرانی به کسری بودجه دولت بازمی‌گردد و متأسفانه شواهد و قرائن نشان می‌دهد اولین جایی که دولت برای عدم افزایش کسری بودجه از آن صرف نظر می‌کند ادامه

محمدحسن آصفری

از طرح برق رایگان دولت حمایت خواهیم کرد

به گفته وی گروه پرمصرف‌ها نیز هشت ماه فرصت دارند تا با کاهش مصرف در گروه خوش‌مصرف‌ها قرار گیرند و به‌طور قطع قبض آن‌ها کاهش قابل توجه خواهد یافت و گرنه ۱۰ درصد جریمه خواهند شد.

محمدحسن آصفری نماینده اراک در مجلس یازدهم در خصوص این تصمیم دولت گفت: متأسفانه سیاست‌های تشویقی در کشور ما بسیار ضعیف است در حالی که اگر به این موضوع در همه بخش‌ها توجه شود بسیاری از امور نظم و نسق می‌گیرد.

وی افزود: من با اینکه خانواده‌ها را تشویق به کم‌مصرف کردن حامل‌های انرژی کنیم و به پاس این همکاری به آن‌ها پاداش دهیم، موافقم. این صداقت و تعامل به نفع کشور است و اگر این طور نباشد برخی افراد به فکر دورزدن قانون می‌افتند.

عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: اینکه عده‌ای از مردم با پل‌های خورشیدی، برق تولید می‌کنند و دولت از آن‌ها می‌خرد تا در اختیار دیگران بگذارد، کاری بسیار ارزشمند است و تا حد زیادی هزینه‌های کشور را مخصوصاً در بخش ایجاد نیروگاه‌های برقی کم می‌کند.

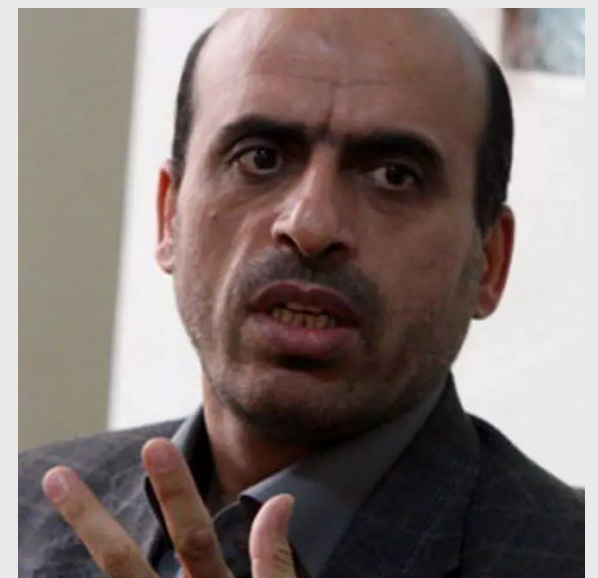
نماینده اراک در ادامه عنوان کرد: مصرف برق برخی افراد به اندازه نصف مصرف برق کل یک روستای چندخانواده‌ای است. این روند اصلاً عادلانه نیست و باید به‌خاطر خدمت‌رسانی به همه مردم، جلوی این رویه‌ها گرفته شود.

منبع: روزنو

آن طور که رییس‌جمهوری مطرح کرده است این دولت قصد دارد در آخرین سال فعالیت خود برق مجانی را نیز به لیست کارهای انجام‌شده اضافه کند، اما مشترکان بدانند که مزایای برق رایگان یا همان برق مجانی تنها به کم‌مصرف‌ها می‌رسد.

تعداد مشترکان برق خانگی در ایران ۲۹ میلیون و پانصد هزار نفر است که هشت میلیون و پانصد هزار کم‌مصرف، ۱۶۶ میلیون خوش‌مصرف و ۴۵ میلیون پرمصرف هستند. الگوی مصرف در ماه‌های گرم ۱۰۰، در ماه‌های عادی ۸۰ و برای مناطق گرمسیری ایران از ۱۵۰ تا ۴۰۰ کیلووات ساعت در ماه متغیر است.

در همین رابطه تقی‌زاده‌خامسی، معاون وزیر نیرو اعلام کرده ۸۵ میلیون مشترک کم‌مصرف حدود ۳۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را پوشش می‌دهند و قبض خود را از دو ماه دیگر «صفر» دریافت می‌کنند، این پاداش به همه اقشار جامعه تعلق می‌گیرد و ارتباطی به محل زندگی و طبقات اجتماعی ندارد و ملاک تنها مصرف کمتر است. قبض مشترکان خوش‌مصرف تغییری نخواهد کرد؛ مگر اینکه به گروه کم‌مصرف‌ها بپیوندند و مانند آن‌ها پاداش بگیرند.



جلال رشیدی کوچی خبر داد

قالیباف قول داد در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ شرکت نکند

مجلس بخواهند برای انتخابات ریاست جمهوری اسم نویسی کنند، منع قانونی ندارد و اختیار با خود آنهاست، ولی مردم وقتی به نامزدی در انتخابات مجلس رای می دهند، نظرشان بر حضور آن فرد در بهارستان است نه اینکه منتخب آن‌ها پس از حضور در مجلس، خود را آماده حضور در انتخابات ریاست جمهوری کند.

رشیدی کوچی تصریح کرد: دست قوه مجریه برای خدمت رسانی و اداره کشور بازتر است و اگر رییس جمهور به عنوان شخص دوم کشور به همراه زیرمجموعه اش کارها را به درستی پیش می بردند وضع کشور این نبود که اکنون رییس جمهور در سال آخر کاری خود هر کاری که دوست دارد را انجام دهد.

نماینده اولگرای استان فارس توضیح می دهد دست مجلس برای سوال از رییس جمهور و استیضاح وزرا بسته است؛ نه به واسطه قانون بلکه به این خاطر که اگر مجلس چنین رویکردی را در دستور کار قرار دهد، هم وقت کشور کشور گرفته می شود و هم دستاوردی برای مردم و نظام به بار نخواهد آمد و در مجموع این تصمیمات در شرایط فعلی بیهوده است.

عضو کمیسیون ویژه جهش تولید در انتقاد از مجلس دهم گفت: اگر در گذشته نمایندگان به درستی به وظیفه خود عمل می کردند، اکنون مجلس در راس امور بود. از این جهت می گویم بهترین جا برای خدمت، مجلس است که ما می توانیم به طور زیرساختی خیلی از امور را اصلاح کنیم.

منبع: رویداد ۲۴

کمتراز ۹ ماه دیگر تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ باقی است و به نظر می رسد اصولگرایان پس از تصاحب مجلس، حساب ویژه ای روی ریاست جمهوری باز کرده اند و می خواهند با پیروزی در این رقابت سیاسی، قوه مجریه ای همگام با قوه مقننه بر سر کار بیاورند. در جبهه اصولگرایان هرازگاهی نام هایی برای ورود به انتخابات ۱۴۰۰ به گوش می رسد، اما یکی از نام هایی که مخصوصا پس از انتخابات دوم اسفند بر سر زبان هاست «محمدباقر قالیباف» رییس کنونی مجلس است. سفر چندی پیش رییس مجلس به استان خوزستان که البته جنبه های تبلیغاتی آن بسیار پررنگ بود، گمانه زنی ها در خصوص نامزدی قالیباف برای انتخابات خرداد سال آینده را بیش از پیش به ذهن ها متبادر کرد.

جلال رشیدی کوچی، نماینده مردم مرودشت در مجلس یازدهم معتقد است اینکه فردی به عنوان نماینده از مردم رای بگیرد و سپس سودای حضور در انتخابات دیگری را داشته باشد، طبیعی نیست.

او می گوید: این روزها صحبت از کاندیداتوری احتمالی برخی نماینده ها برای انتخابات ۱۴۰۰ است که شاید به میان آوردن بعضی از اسامی از اساس شایعه باشد، ولی بنده در صحبتی که با آقای قالیباف در دیدار مجمع نمایندگان استان فارس داشتم، گفتند قطعا در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نخواهم کرد. آقای قالیباف اکنون رییس قوه مقننه است و جایگاه خوبی دارد و در بهترین جا برای خدمت قرار گرفته است.

عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس می گوید: اینکه افرادی از



معرفی کتاب

فیدل کاسترو

خاطرات شخصی فیدل کاسترو با همه آثاری که تا به حال در مورد این شخصیت مهم سیاسی و انقلابی قرن بیستم نوشته و منتشر شده تفاوت دارد. این کتاب فقط شرح حال کاسترو و به قلم خودش نیست.

این کتاب افشاکننده بخشی از اطلاعات محرمانه و منتشر نشده در مورد کاسترو و انقلاب کوبا

است که برای اولین بار به وسیله خود کاسترو منتشر شد.

اطلاعات موجود در این کتاب

نه مبتنی بر شایعه است و نه

تبلیغات بی اساس دشمنان

کاسترو. این اطلاعات خاطرات

ناگفته مردی بود که در پایان

عمری پر تلاش و پرتکاپو علاقه

داشت رویدادهای زندگی

خود و انقلاب کوبا را بی پرده

و بی واسطه به خواننده منتقل

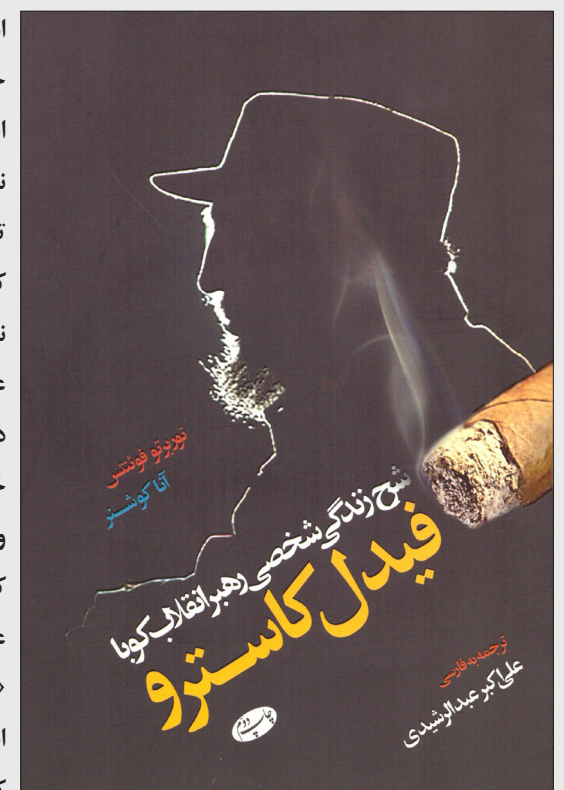
کند.

علاقه مندان برای تهیه کتاب

«فیدل کاسترو» می توانند به

انتشارات اطلاعات مراجعه

کنند.



خدمات مجموعه فرهنگی - مذهبی آیتا... آیتی

برنامه ها و خدمات این مجموعه عبارتند از:

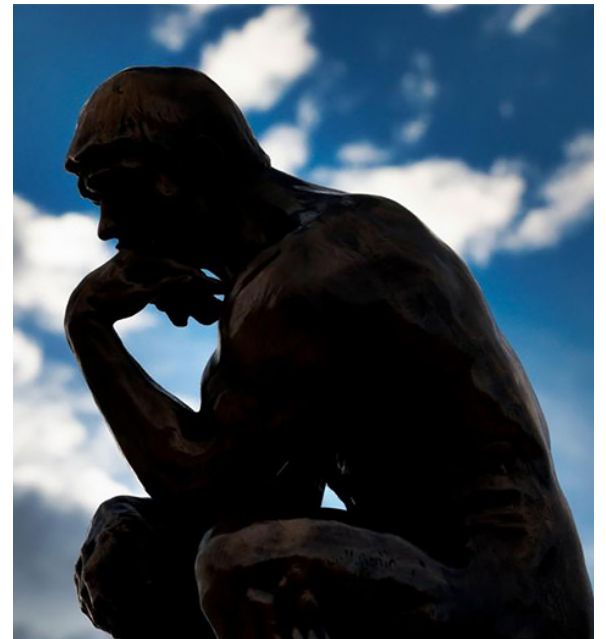
- ✓ نماز جماعت
- ✓ سخنرانی های مذهبی
- ✓ برگزاری مجالس ترحیم
- ✓ برگزاری مجالس و کلاس های حج و زیارت
- ✓ تدریس معارف دینی
- ✓ پاسخ به سوالات شرعی و استخاره
- ✓ حل و فصل اختلافات و مشاوره مذهبی و اجتماعی
- ✓ اخذ وجوهات شرعی اعم از سهمین، کفارات و نذورات
- ✓ حوزه علمیه و پرداخت شهریه به طلاب علوم دینی
- ✓ پرداخت شهریه به سادات نیازمند از محل سهم سادات
- ✓ کمک های نقدی و غیر نقدی به نیازمندان و محرومان
- ✓ پرداخت وام قرض الحسنه با همکاری بانک های رسالت و انصار
- ✓ کتابخانه عمومی و ارائه کتب امانی و سالن قرائت خانه مجزا برای آقایان و بانوان
- ✓ خدمات دندان پزشکی و دندان سازی

توزیع کوپن نان بین نیازمندان

این سنت حسنه به ابتکار مرحوم آیتا... نایب آیتی با حدود ۵۰ سال سابقه، کاری بی بدیل است که عهده دار تامین نان برای سفره محرومان می باشد. لذا مومنین می توانند کمک ها، کفارات و زکات فطریه خود را به شماره کارت: ۹۰۵۸-۳۲۲۸۳-۸۱۱۱-۶۲۷۳ به نام حجت الاسلام علیرضا حسینی نزد بانک انصار واریز کرده و در این کار خداپسندانه شریک شوند.

استان خراسان جنوبی، شهرستان بیرجند، خیابان شهید مطهری، مسجد آیتا... آیتی

تلفن: ۰۵۶-۳۲۲۲۳۳۶۷ و ۰۵۶-۳۲۲۲۴۴۱۶



خردمندی چیست؟

روان‌شناسان خردمندبودن را چگونه تعریف می‌کنند؟ از نظر آنان شخصیت خردمند چه ویژگی‌های دارد؟ ماریانا پوگوسیان، متخصص روان‌شناسی



بین‌فرهنگی، خردمندی را چیزی بیش از «دانش و تجربه» می‌داند. در ادامه پاسخ او به این پرسش‌ها را می‌خوانید:
به‌تازگی از بچه‌های هشت ساله و فردی ۸۸ ساله در دو نقطه متفاوت از جهان پرسیدم: خردمندبودن یعنی چه؟ پاسخ‌های آنان به‌صورت چشمگیری مشابه هم بود: زیاد دانستن.
برای بسیاری از ما تصویر یک فرد خردمند آدمی است با موی سپید، یا حکیمی اندرزگو با لبخندی آرام و راه رفتنی با طمانینه. اما خردمندی بیش از داشتن دانش نظری (تئوریک) و چند دهه تجربه است. هم‌چنین، برای خردمندبودن بیش از یک راه وجود دارد. برای نمونه، وینستون چرچیل برای خرد عمل‌گرایانه‌اش مشهور بود، مادر ترزا خردمندی نیک‌خواهانه‌ای داشت، سقراط به‌لحاظ فلسفی خردمند بود. اما، باور ما درباره خردمندی از کجا نشات می‌گیرد و روان‌شناسی درباره خردمندی چه بینشی دارد؟

برای قرن‌ها، تمدن‌ها ایده‌های‌شان درباره خردمندی را در قالب داستان‌هایی از زندگی‌های اخلاقی یا فضیلت‌مندان بیان کرده‌اند. این داستان‌ها در سراسر جهان وجود دارد - سومری‌ها، مصریان باستان، وادهای پرقدمت هندی‌ها، متون تائویی و کنفوسیوسی در چین و فلاسفه یونان باستان. براساس این سنت‌ها، سقف خردمندی بر ستون‌های فراوانی قرار گرفته است - خیرخواهی و شنونده‌بودن (کنفوسیوسیسم)؛ خوداندیشی (تائویسم)؛ حرکت زندگی در مسیر طبیعی (لائوتسه)؛ و پرسش‌گری و نقد (سقراط) و فروتنی روشنفکرانه

(یعنی فرد محدودیت‌های فکری‌اش را به رسمیت بشناسد) (گروسمن و کونگ).

در پژوهش‌های روان‌شناسی، خردمندی مفهومی چندوجهی با اجزاء زیر است:

جنبه شناختی (دانش و تجربه)، جنبه خوداندیشی (توانایی بررسی موضوع‌ها و نسبت آن‌ها با خود فرد) و جنبه اجتماعی و انسانی (احسان و عطوفت).

وقتی نوبت به استفاده از خرد برای تصمیم‌سازی بهتر می‌رسد، پژوهش‌گران در مطالعات‌شان متوجه اهمیت «چشم‌انداز» می‌شوند. دیدن شرایط از چشم فرد سوم به‌جای نگرستن از منظری فردی و خودمحورانه مهم است؛ چراکه بررسی رویدادها از منظر خودِ ناظر می‌تواند صرفاً متوجه شرایط محدودی باشد و چنین رویکردی او را انعطاف‌ناپذیرتر، بسته‌تر و تدافعی‌تر می‌سازد.

از سوی دیگر، فاصله گرفتن از خود (از طریق نگرستن از منظر شخص سوم) به ما کمک می‌کند رویدادها را در ارتباط با بستر وسیع‌تری ببینیم. به همین علت است که وقتی از نگاه دیگران می‌نگریم (و نه صرفاً از سوی خودمان)، خردمندی عمیق‌تری نشان می‌دهیم. این‌ها بخشی از یافته‌های ایگور گروسمن، پژوهش‌گر دانشگاه واترلو - کانادا درباره «خردمندی» است.

اکنون، پاسخ گروسمن به پنج پرسش درباره «خردمندی» را می‌خوانیم: یک - چگونه می‌توان به خردمندی رسید؟

اگر خردمندی را «مهارت» در نظر بگیرید، از دو مسیر می‌توان به آن دست یافت:

تجربه‌های مناسب (مانند این‌که فرد در زندگی در معرض اختلاف‌ها و عوامل استرس‌زا قرار گیرد) و آموزش (برای نمونه، آموختن فضیلت‌ها و تفکر نقاد؛ و باید این‌ها را به‌صورت قاعده‌اندیشیدن درآورد و به کاربردنشان خو کنید. به این‌صورت است که می‌توان صاحب فضیلت شد و نیل به خردمندی هم متفاوت از این شیوه نیست.

دو - کدام شخصیت‌ها خردمندتر هستند؟
گویا استراتژی‌های شناختی مشخصی برای کسب خردمندی وجود دارد:

الف - «آزاداندیشی» و داشتن ذهنی گشوده (نه متعصب و بسته).
ب - فروتنی معرفتی و فکری (به این معنا که فرد به محدودیت‌های دانش خود آگاه است و اذعان دارد. آن‌گاه ملاحظه منظرهای متنوع و توان تلفیق برای توجه به چشم‌اندازهای متفاوت وجود دارد).

این‌ها جنبه‌های شناختی خردمندی است.
سه - چگونه می‌توان از «تفکر خردمندانه» برای تصمیم‌سازی بهتر استفاده کرد؟

در این زمینه پژوهش زیادی صورت نگرفته، اما شواهدی در دست است که ویژگی‌هایی مانند روشنفکری، توانایی تغییر چشم‌انداز و فروتنی فکری موجب ظهور تصویر بزرگ‌تری از اوضاع می‌شود. آن‌ها به شما کمک می‌کند تا ویژگی‌های متنی و بافتاری را ببینید و بتوانید تناسبی میان این دو برقرار کنید: «نیازهای شرایط خاص» و «دانشی که برای اداره موقعیتی متفاوت دارید».

به دیگر بیان، استراتژی‌های مربوط به خردمندی می‌تواند حساسیت شما را نسبت به زمینه و بستر افزایش دهد. آن‌ها ممکن است شما را به‌سوی توازن بیشتر میان منافع شخصی و منافع دیگران راهنمایی کند و بنابراین تحت شرایطی همکاری را بهبود بخشد.

چهار - «فرهنگ» چگونه بر خردمندی تاثیر می‌گذارد؟
به سه شیوه در این باره می‌توان اندیشید:

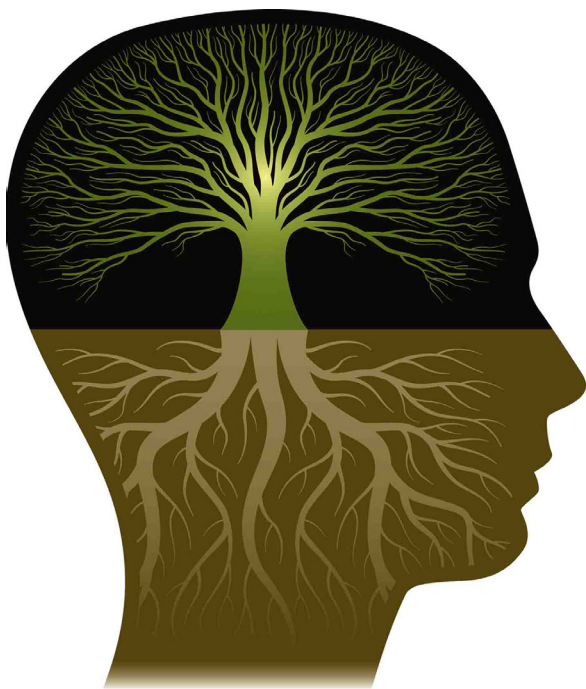
الف - معنای فضیلت را چه بدانیم؛ چراکه تعریف آن به‌صورت چشمگیری در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است.

ب - از میان مسیرهای متنوع آموزشی، کدام یک دنبال می‌شود. برای نمونه، در آمریکای شمالی، بر پیروزی و موفقیت تاکید می‌شود. حتی در مدارس ابتدایی هم آموزش داده می‌شود. در ژاپن (جایی‌که توانایی تغییر چشم‌انداز مهم دانسته می‌شود)، موفقیت مساله نیست. دست‌کم نه به‌شکلی که در آمریکا مطرح است.

ج - انواع متفاوتی از تجربه‌ها وجود دارد که مردم در فرهنگ‌های مختلف با آن روبه‌رو می‌شوند. نه تنها ممکن است تجربه‌ها ناهمگون باشد، بلکه استراتژی‌های مدیریت این تجربه‌ها هم می‌تواند متفاوت باشد. برای نمونه، شیوه مواجهه مردم به مشقت‌ها و منازعات اجتماعی را بررسی کنید. مثلاً، در ژاپن و هنگ‌کنگ، مردم در کار به‌صورت مستقیم درباره اختلافات بحث نمی‌کنند. در عوض، اغلب یک سرپرست یا بخش‌سومی وجود دارد که وظیفه آن حل اختلاف‌هاست، شیوه‌ای که در آمریکا دیده نمی‌شود.

پنج - چرا در جهان «خردمندبودن» به‌عنوان فضیلتی انسانی و محبوب در نظر گرفته می‌شود؟

این صرفاً یک گمانه‌زنی است، اما اگر موضعی انقلابی داشته باشید، می‌بینید که بقای گونه انسان نیازمند توانایی‌های شناختی است که شامل طرح‌ریزی، مشخص کردن چشم‌انداز و ایجاد هماهنگی میان اعضای گروه و فعالیت‌های آنان است. بنابراین، جنبه‌های معینی از خردمندی - سنجش، تلفیق منظرهای متفاوت، روشنفکری - برای زنده‌ماندن ضروری است. به این معنا، کسانی که این مهارت‌ها را در جوامع ابتدایی شکارچی و گردآورنده پرورش دادند، احتمالاً کامروا تر بوده و بیشتر زندگی کرده‌اند؛ چراکه تحت چنین شرایط، زمانی‌که شما با شرایط بی‌ثبات و سختی‌ها روبه‌رو می‌شوید، این مهارت‌ها می‌تواند به شما کمک کند تا تصویر بزرگ‌تری را ببینید و به‌صورت موثرتری با سایرین هماهنگ شوید. بنابراین، خردمندی احتمالاً در فرگشت کامیابانه انسان نقش داشته است.



همواره یکی از دغدغه‌های مهم بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، تلاش برای توجه به اصلاح رفتارهای مدیران با مردم و زبردستان بوده است که در



مجموعه معارف دینی ما قدمتی حداقل به میزان عهدنامه مالک اشتر دارد. رعایت حق‌الناس و توجه به جلب رضایت عمومی مردم در دیدگاه‌های فقهی بسیاری از فقیهان، از شروط صحت حکومت است. اگر حکومت را یک عقد مشروع تلقی کنیم، بی‌شک رضایت مردم یکی از ارکان اصلی و شرط صحت چنین عقده بر شمرده می‌شود.

عدم رعایت حقوق مردم در مناسبات اداری، فقدان سیستم نظارت کارآمد، اصولی و دقیق و بعضاً همدستی مسئولان امر اجرا و نظارت، آفت‌های مخربی هستند که بنیان اعتماد عمومی جامعه را تخریب و در نهایت به سلامت نظام اداری آسیب‌های جدی وارد می‌کنند.

رضایت مردم شرط صحت حکومت

با مردم دوستی و رفاقت کنید و نیروی همدلی آنان و اراده و همبستگی‌شان در حمایت از اهداف نظام سیاسی را دست کم نگیرید. مردم با همه کمبودها، مشکلات و نقایص در عرصه‌های گوناگون ساخته‌اند و وفادارانه در کنار این نظام بوده‌اند اما تبعیض‌ها، بی‌عدالتی‌ها، زورگویی‌ها و سوءاستفاده‌های افسارگسیخته از جایگاه‌های مدیریتی و مناصب حکومتی، دیگر برایشان بسیار زجرآور، آزاردهنده و غیرقابل تحمل شده است و تبعات این رفتارهای به دور از تعهد و مسئولیت‌پذیری مسئولان در واکنش‌های اجتماعی مردم به اشکال گوناگون از جمله بی‌رغبتی‌شان به آینده و سرنوشت خود و کشور، به‌وضوح در سطح جامعه و حتی فضای مجازی ملموس و قابل ردیابی است.

حال که در هفته گرامیادداشت هشت سال دفاع غیرتمندانه و مقدس قرار

در شرایطی که مردم از دشواری‌های اقتصادی، گرانی و تورم و مشکلات ناشی از تحریم‌ها بسیار رنج می‌برند، بر همه مسئولان در همه رده‌ها فرض است که به مراجعات و اعتراضات مردم نسبت به حقوق قانونی‌شان توجه و تمرکز کنند و با بی‌حوصلگی و از سر باز کردن مشکلات مردم، تصور نکنند که صورت مسئله را پاک کرده‌اند.

همین بی‌توجهی‌های کوچک اما متعدد در مراجعات مردم در تمام حوزه‌ها و پاسخگو نبودن و یا عدم‌اهتمام به قانع کردن آنان آفتی است که انباشته‌شدن آن، یاس و دلزدگی مردم از نظام سیاسی را در پی خواهد داشت. در شرایط اضطراری فقط و فقط مردم یک کشور مدافعان اصلی آن هستند و هیچ دستگاهی بدون جلب محبت، اعتماد و رضایت آحاد مردم حتی موفق به انجام وظایف قانونی خود نخواهند شد.

بررسی

سایه کرونا بر سر انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا

حربه ترامپ یا شانس بایدن؟



پیامدهای پیروزی بایدن در سیاست خارجی آمریکا گروهی از تحلیلگران حوزه کشورهای عربی با توجه به ابتلای ترامپ به کرونا تبعات این رویداد را چنین برآورد کردند: در صورت روی کار آمدن رهبری جدید در آمریکا می توان این انتظار را داشت که تجدیدنظر در سیاست های دوران ترامپ در دستور کار قرار بگیرد. آن ها معتقدند در صورت پیروزی نامزد دموکرات ها در انتخابات آینده آمریکا تعامل واشنگتن با تهران نیز بهبود پیدا خواهد کرد.

تفسیر تارنمای اندیشکده دموکراسی «العربی» مصر در این مورد حاکی است: آثار ناگوار کرونا پیش از کرونا شانس پیروزی ترامپ در انتخابات را کاهش داده و اکنون جو بایدن به رقیب قدرتمند ترامپ تبدیل شده است. تردیدی نیست که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تحولات سیاسی عمیقی در حیات سیاسی آمریکا به دنبال خواهد داشت. اگر بایدن به عنوان رییس جمهوری آمریکا انتخاب شود او در چارچوب گسترده ای برای بازگردان نقش رهبری آمریکا در جهان و همکاری و اعتمادسازی با هم پیمانان و دوری از شعار «تخت آمریکا» تلاش خواهد کرد. سیاست خارجی بایدن فاصله بسیاری با سیاست دولت کنونی آمریکا خواهد داشت و او از سازمان های بین المللی حمایت خواهد کرد. هدف اصلی او اثبات مصداقیت و جایگاه آمریکا خواهد بود.

رویکرد تحلیل گر تارنمای مرکز الیتمی قراطی العربی حاکی است: جو بایدن از هواداران گزینه دیپلماسی در تعامل با ایران است. بدون تردید او از توافق هسته ای به عنوان یکی از دستاوردهای سیاست خارجی او با دفاع خواهد کرد. با توجه به این موضوع پیش بینی می شود در صورت انتخاب بایدن به عنوان رییس جمهوری آمریکا رفتار آمریکا درباره ایران تغییر کند، زیرا آمریکا در برخی از پرونده های پیچیده نیاز به آرامش در تعامل با ایران دارد. از این رو، این کشور از سیاست تحریم و فشار علیه ایران فاصله خواهد گرفت و برای مذاکره با ایران در فضای آرامش و توازن تلاش خواهد کرد.

مطلبی در این زمینه ضمن اشاره به پیروزی بایدن در برابر ترامپ در آخرین نظرسنجی ها این نظریه را مطرح کرد که تحولات برخلاف خواست ترامپ پیش می رود. شیوع ویروس کرونا دستاوردهای اقتصادی وی را از بین برده است، در حالی که او به دستاوردهای اقتصادی خود افتخار می کرد. در نتیجه شیوع کرونا، ۲۵ درصد از تولید ناخالص ملی آمریکا کاهش یافته است. به قتل رساندن جورج فلویید به طور وحشیانه و تظاهرات مردم آمریکا علیه ترامپ و ناتوانی آمریکا در تولید واکسن کرونا هم مزید بر علت شد. در چنین وضعیتی تلاش های وی برای بهبود وضعیت خود در برابر رقبایش سودی به دنبال نداشته است. او برای رسیدن به این هدف، همه تلاش خود را برای جلب حمایت هواداران متعصب خود به ویژه مسیحیان صهیونیست معطوف کرد. او در ادامه پی در پی به خدمات خود به رژیم اسرائیل و لابی یهود در آمریکا افزود تا بتواند حمایت مادی و تبلیغاتی آنان را به دست آورد. همچنین ترامپ در این مسیر از هواداران عرب خود خواست توافق عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر اسرائیل را پیش برند تا بتواند از آن در انتخابات استفاده کند. اما این مسائل نزد رای دهندگان آمریکا تاثیری ندارد، زیرا آنان تنها به اوضاع اقتصادی توجه دارند که اکنون ناگوار است. ترامپ با احساس خطر روزافزون تلاش کرد با آغاز جنگ تجاری با اژدهای چینی در راستای اهداف انتخاباتی خود بهره ببرد، اما این موضوع هم اثر ایده آلی برای ترامپ به دنبال نداشته است.

سعید عریقات گزارش مفسر القدس العربی و مقیم واشنگتن نیز با انتشار یادداشتی در این خصوص با اشاره به اینکه اقتصاد موضوعی است که در انتخابات آمریکا بیشترین تاثیر را دارد بر این موضوع تاکید کرد که رای دهندگان آمریکایی با توجه به وضعیت اقتصادی خود و مقایسه آن با چهار سال گذشته رای می دهند. انتخابات امسال آمریکا تفاوت بسیاری با انتخابات های گذشته دارد. شیوع ویروس کرونا و مرگ بیشتر از ۲۰۰ هزار تن از شهروندان آمریکا و آلوده شدن بیش از ۷ میلیون تن از شهروندان به ویروس کرونا در نتیجه انتخابات تاثیر گذار خواهد بود.

انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا در روزهای گذشته به دلیل تشخیص کرونای ترامپ و آثار آن بر سیاست و اقتصاد این کشور به خصوص به عنوان یک عامل موثر در تصمیم انتخاباتی مردم آمریکا بیش از پیش مورد توجه قرار تحلیلگران کشورهای عرب قرار گرفته است. در این رویکردها بر تاثیر نتیجه احتمالی کرونا بر عرصه انتخابات این کشور و پیروزی احتمالی رقیب ترامپ تمرکز شده و تبعات این موضوع بر عرصه های سیاست داخلی و خارجی آمریکا مورد مذاکره قرار گرفته است.

اثرگذاری کرونا بر روی اقتصاد و انتخابات آمریکا

به گزارش ایرنا، قرار است پنجاه و نهمین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا سوم نوامبر ۲۰۲۰ (۱۳ آبان امسال) برگزار شود.

پیش از شیوع کرونا برخی تحلیلگران بر این باور بودند که «ترامپ» به راحتی از «جو بایدن» رقیب انتخاباتی خود پیشی خواهد گرفت، اما ناگهان عامل جدیدی به نام ویروس کرونا و بیماری کووید ۱۹ وارد کارزار انتخاباتی این کشور شد. این ویروس که مرگ بیش از ۲۰۰ هزار تن از مردم آمریکا را به دنبال داشته و اقتصاد این کشور را ناسالمان کرده، گمانه زنی ها را در مورد سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا افزایش داده است. تشخیص کرونای ترامپ در هفته های پایانی مبارزات ریاست جمهوری آمریکا هم وضعیت را به طرز چشمگیری تغییر داد و اکنون ترامپ افزون بر یک چالش بهداشتی با هرج و مرج تدارکاتی و اداری نیز روبرو شده است.

روزنامه «الشرق الاوسط» عربستان در گزارشی به قلم ستون نویس خود «یاد ابوشقرا» درباره پیامدهای ویروس کرونا بر روی انتخابات آمریکا نوشت: آلوده شدن رییس جمهوری قدرتمندترین کشور جهان به ویروس کرونا همه مقدمه چینی های وی برای انتخابات را برهم زده است. در نتیجه این موضوع، احتمال رقم خوردن هرگونه سناریویی در این انتخابات و به دنبال آن برهم خوردن هرگونه محاسبات بین المللی وجود دارد.

تحلیل گر روزنامه «العرب» چاپ لندن نیز در این زمینه تاکید کرد: آلوده شدن ترامپ به ویروس کرونا بر روند انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تاثیر خواهد گذاشت. کرونا فرصت راهیابی دوباره ترامپ به کاخ سفید را تهدید می کند. از زمان اعلام خبر آلوده شدن وی به این ویروس حالتی از ابهام و دستپاچگی محافل سیاسی آمریکا را فراگرفته است. ناظران معتقدند که دمکرات ها از آلوده شدن ترامپ به ویروس کرونا به عنوان ابزار خوبی برای حمله به وی استفاده خواهند کرد و او را فردی نالایق برای رییس جمهوری کشور معرفی خواهند کرد.

یکی از ستون نویس های روزنامه «مصراوی» نیز با اشاره به آلوده شدن ترامپ به ویروس کرونا در تحلیلی نوشت: آلوده شدن ترامپ به ویروس به طور مستقیم فضای سیاسی و اقتصادی آمریکا را تحت تاثیر قرار می دهد و همچنین ماهیت تبلیغات انتخاباتی ترامپ را تغییر خواهد داد. باقی ماندن ترامپ در قرنطینه پیامدهایی برای امنیت و کارآمدی دولت وی خواهد داشت. چندین هفته پیش از شیوع کرونا، ترامپ با تمرکز بر قدرت اقتصادی آمریکا در راستای اهداف انتخاباتی خود استفاده می کند، اما آلوده شدن وی به این ویروس و زیان هایی که بازارهای جهانی و آمریکا در نتیجه این موضوع دیدند بیان گر نگرانی ها درباره انتخابات آینده آمریکا است. تردید وارد کردن به نتیجه انتخابات آمریکا از سوی شماری از هواداران ترامپ و همچنین تهدید ترامپ مبنی عدم تسلیم قدرت به طور مسالمت آمیز در صورت شکست هم نگرانی ها را درباره آغاز خشونت ها در آمریکا افزایش داده است.

عبدالحلیم خدام از تحلیلگران روزنامه «القدس العربی» هم با انتشار



از اهمیت جلب رضایت و محبت مردم در امر حکومت داری و امری بدیهی و فرضی مسلم است. فرهنگ پاسخگویی را در سازمان ها، ادارات و تمام نهادها جا بیاندازید و به مراجعات مردم با حوصله و دقت رسیدگی کنید. هیچ مسئولی نباید با رابطه سالاری و بالادست سروری بتواند خود را از زیر ذرهبین نظارت قانونی و اصولی خارج کند و همه می بایست برای حفظ سلامت و صلاحیت نظام به از بین بردن رفتارهای زورگویانه و کلیشه ای اهتمام ورزیم و از خشم ناشی از نارضایتی مردم بترسیم که موجب سخط و عذاب الهی است. مسکوت گذاشتن امور مردم و عدم توجه به آن و یا پاک کردن صورت مساله، معصیت کوچکی نیست و عواقب جبران ناپذیر آن انکارناپذیر و ویرانگر است. به طور متوسط برای استقرار هر میز و پست در کشور بیش از ۷۰ شهید جان سپرده اند، کشور را در بایید پیش از اینکه موج سیل آسای نارضایتی و اعتراضات مردمی، پایه های حکمرانی نظام سیاسی را از بنیان سست و متزلزل کند.

داریم، بیش از پیش در خاطرمان زنده و جاودان کنیم که فرزندان این ملت از تمام سنین و طبقات مختلف جامعه برای صیانت از مرز و بوم، اسلام و نظام شان از باارزش ترین ودیعه الهی یعنی جان شان گذشتند و آسایش، استقلال و امنیت کنونی را برای ما به ارمغان آوردند و یقیناً کمترین پاسداشت از خون و جان آن عزیزان این است که هرکس در هر منصب و جایگاهی با خون دل خوردن، مدارا و به خرج دادن نهایت حوصله و دلسوزی برای رفع مشکلات مردم و جلب محبت آنان و ترمیم و بازسازی پایه های اعتماد عمومی هر چه بیشتر تلاش کنیم.

باید هر مراجعه مردم و هر انتقادی را عطیه الهی بدانیم، اگر مردم به ما مراجعه می کنند، یعنی هنوز به اصلاح امور توسط حکمرانان خویش امیدوارند، بر ماست که این امید را زنده بداریم. گرفتار شدن جامعه در دام یاس و بی تفاوتی، خود اصلی ترین خطر برای موجودیت و ادامه حیات نظام سیاسی است. وقتی حتی از محل زکات مسلمین اجازه داده شده است که برای تالیف قلوب غیرمسلمانان استفاده شود، این امر نمونه ای روشن و گویا

واکنش‌های اصولگرایان و اصلاح‌طلبان به احتمال کاندیداتوری زنان شورای نگهبان در ۱۴۰۰ تابوشکنی خواهد کرد؟



با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ دوباره جدال بر سر تعریف «رجل سیاسی» داغ شده است با این تفاوت که سخنگوی شورای نگهبان از احتمال کاندیداتوری زنان سخن می‌گوید. حالا این سوال مطرح می‌شود که آیا شورای نگهبان قرار است تابوشکنی کند یا این تنها یک وعده سر خرمن است؟

«رییس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط باشند انتخاب گردد» این نص صریح اصل ۱۱۵ قانون اساسی است که ۴۲ سال است به‌عنوان یکی از پرمناقشه‌ترین اصول این قانون بالادستی محسوب می‌شود؛ مناقشهای که تنها شامل یک واژه می‌شود و آن تعریف و تفسیر «رجل سیاسی» است.

بیش از چهار دهه است که وقتی صدای پای انتخابات ریاست جمهوری به گوش می‌رسد معمای کاندیداتوری زنان هم دوباره بر سر زبان‌ها می‌افتد و در طول همه این سال‌ها یک جمله از زبان اهالی شورای نگهبان که وظیفه تفسیر قانون اساسی را به‌عهده دارد بیان شده است: «هیچ معنی برای کاندیداتوری زنان وجود ندارد.» هرچند این امید به زنان داده می‌شود که معنی برای کاندیداتوری‌شان وجود ندارد، اما تا امروز هیچ زنی از فیلتر شورای نگهبان برای حضور در حلقه رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری عبور نکرده است و این میدان مانند مجلس خبرگان رهبری ۴۲ سال است در انحصار مردان قرار گرفته است.

سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری نیز همچنان به سبک و سیاق انتخابات‌های گذشته محل بحث است که آیا زنان در این انتخابات می‌توانند انحصار مردانه را بشکنند و در حلقه کاندیداهای ریاست جمهوری قرار بگیرند؟ «شاید در انتخابات آینده کاندیدای زن داشته باشیم.» این پاسخی بود که عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان در آخرین نشست خبری‌اش به زبان می‌آورد؛ موضوعی که جدال بر سر تعریف «رجل سیاسی» را دوباره داغ می‌کند.

واکنش به احتمال کاندیداتوری زنان

«امیدوارم انگیزه آقای کدخدایی از بیان این سخن جذب مشارکت و حضور مردم در انتخابات نباشد و ریشه فکری و واقعی داشته باشد.» این را زهرا شجاعی معاون امور زنان ریاست جمهوری دولت اصلاحات به زبان می‌آورد. او در واکنش به صحبت‌های کدخدایی درباره احتمال کاندیداتوری زنان در انتخابات ۱۴۰۰ می‌گوید: «شورای نگهبان برای نشان دادن حسن نیت لازم است قبل از انتخابات، تفسیرش از رجل سیاسی را مشخص کند تا زنان مطمئن شوند که این فقط یک بازی نبوده و سوءاستفاده ابزاری از آنان نمی‌شود.»

البته تنها زهرا شجاعی نیست که موضوع مشارکت انتخاباتی را دلیلی برای بیان این صحبت کدخدایی می‌داند بلکه فائزه هاشمی‌رفسنجانی از نمایندگان مجلس پنجم نیز می‌گوید: «از این قضیه تفاسیر متفاوتی می‌شود، عده‌ای معتقد هستند که چون انتخابات گذشته، انتخابات سردی بود و عده‌ای از مردم شرکت نکردند و با این حرف‌ها می‌خواهند انگیزه و اشتیاقی ایجاد کنند تا مردم را به پای صندوق‌های رای بکشانند، یک

ثبت‌نام می‌کردند، اما رد صلاحیت می‌شدند.»

او ادامه می‌دهد: «بنابر حرف آقای کدخدایی، این تفسیر شورای نگهبان که هم زنان و هم مردان می‌توانند رییس‌جمهور شوند، باید در قانون اساسی آورده شود. اگر این سخن فقط صحبت سخنگو باشد، سخنگوی شورای نگهبان می‌تواند تغییر کند و نفر بعدی این دیدگاه را نداشته باشد. باید این ابهام در قانون اساسی تغییر کند و ممکن است تا ۱۰۰ سال آینده هم رییس‌جمهور زن نداشته باشیم و در مسیر تحولات اجتماعی علاوه بر روزرسانی قوانین، تفکرات و فرهنگ‌ها هم باید آماده پذیرش این موضوع باشد.»

البته اظهارنظرها درباره کاندیداتوری زنان تنها به زنان اصلاح‌طلب ختم نشد و الهام امین‌زاده در این رابطه گفت: «به‌نظر می‌رسد مطرح شدن کاندیداتوری زنان در انتخابات ریاست جمهوری برای بیشتر شدن رقابت‌های سیاسی است؛ به انتخابات ریاست جمهوری، نگاه جنسیتی داریم اما اگر در این باره شایسته‌سالاری مدنظر قرار گیرد، باید گفت یکی از مهمترین نیازهای امروز کشور ما همین موضوع است.»

او ادامه داد: «به دور از نگاه جنسیتی و سیاسی، اگر بخواهیم ارزیابی کنیم در حال حاضر از منظر شایسته‌سالاری، فردی باید کاندیدا شود که متعهد، عملگرا، باتجربه، برخوردار از علم و دانش و در نتیجه مردمی

تفسیر هم این است که چون یک کمپینی در رابطه با ریاست جمهوری زنان راه افتاده است و این‌ها پیش دستی کرده‌اند تا در مقابل یک کمپینی قرار نگیرند تا بعد مجبور شوند یک چیزی را تایید یا رد کنند، پس خودشان وارد قضیه شدند تا کار به آن جاها نکشد.» او ادامه می‌دهد: «متأسفانه یکی از مهمترین سیاست‌هایی که همیشه روی آن پافشاری شده است، «مرغ یک پا دارد» است، یعنی زمانی که حرفی زده می‌شود تا آخر باید روی آن قضیه پیش روند، ضمن اینکه مسائل زنان مدت‌ها است که به‌جای اینکه یک موضوع حقوقی و اجتماعی باشد به موضوعات سیاسی و امنیتی تبدیل شده است.»

پروانه سلحشوری نماینده تهران در مجلس دهم نیز در این رابطه می‌گوید: «فقط موضوع این که چرا این اتفاق نیفتاده، نیست. یکی از مهمترین نکاتی که در این رابطه وجود داشته، مشخص نبودن تفسیر شورا از رجل سیاسی بوده است. اساساً در تفسیر رجل سیاسی، واژه رجل را مساوی با مرد می‌دانند در حالی که اگر قرار بر مرد بودن بود، می‌توانستند واژه مرد را بنویسند؛ اما رجل معنای فراتری از مرد دارد و به همین دلیل متأسفانه با تفسیر مردانه‌ای که وجود داشت، زنان فعالی که در این حوزه ورود پیدا می‌کردند، صلاحیت آنان تایید نمی‌شد. خانم طالقانی یکی از مبارزان این عرصه است که حدود ۲۰ سال در انتخابات ریاست جمهوری

سیدحسن خمینی مطرح کرد

مضحکه است نگوییم نخست وزیر جنگ چه کسی بوده!

است. وقتی همه با هم دارای یک درد مشترک شوند، همدل می‌شوند. لذا یکی از گل‌هایی که در جنگ رویید این بود که همدلی ایجاد شد. وی با بیان خاطره‌ای از انسجام بی‌نظیر دوران دفاع مقدس، یادآور شد: مهندس موسوی نقل می‌کردند که در آن دوران یکبار سوار بر هلی کوپتر بر فراز استان چهارمحال و بختیاری می‌رفتیم که یک سری سیاه چادر دیدیم و به‌خاطر آن‌ها فرود آمدیم. ایشان می‌گفت بعد از خوردن چای من به آن‌ها گفتیم از ما چه می‌خواهید؟ رییس آن طایفه گفت در این شرایط ما چیزی نباید بخواهیم؛ ما (شرایط را) می‌فهمیم. مهندس موسوی سپس گفت، وقتی من در هلی کوپتر نشستم که بلند شود، دیدم بقچه‌ای را رییس این قوم داخل دامن گذاشت و در هلی‌کوپتر را بست؛ باز کردم و دیدم هرچه طلا داشته‌اند را به من داده است. یعنی نه تنها چیزی را از من نخواستند، بلکه چیزی هم دادند! وی یادآور شد: همین ارتش در دوره ما هشت سال مقابل کل دنیا در جنوب و غرب ایستاد. چون سرباز وقتی می‌جنگد که مادرش برای او

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی در مراسم بزرگداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس که با عنوان «دفاع مردمی» به همت حزب مجمع ایثارگران در حسینیه جماران برگزار شد، گفت: نگاه آدم‌های مختلف به جهان متفاوت است. بعضی‌ها دنیا را مزرعه و بعضی‌ها زندان می‌دانند. ممکن است یک نگاه هم بگوید اساساً دنیا یک مرداب است. اگر نسبت به اصل دنیا نگوییم مرداب است، اما بعضی حوادث به تنهایی خوب و زیبا نیستند. یکی از آن‌ها جنگ است. اگرچه در تاریخ بشر هرچه تمدن ساخته شده از دل جنگ‌ها درآمده و هرچه امروز به آن می‌نازند از دل همین جنگ‌ها درآمده و جنگ را هم فاتحان نوشته‌اند، ولی جدای از اینکه نامنی می‌آورد، یک امر زیبا نیست. مردم خوزستان بهتر لمس کرده‌اند که جنگ اتفاق نامبارکی است؛ اگرچه دفاع مقدس زیباست.

سیدحسن خمینی ادامه داد: جنگ‌ها یک کارکرد دیگر هم داشته‌اند و آن اینکه «ملت‌سازی» می‌کنند. چون همدلی ناشی از منافع مشترک



انتخابات ریاست جمهوری هیچ‌گاه احزاب کشور به ویژه آن‌هایی که اسم رسمی برای خود دست و پا کرده‌اند و وقتی پای شعار به میان می‌آید «حمایت از جامعه زنان» و «نقش و اهمیت زنان» از زبانشان نمی‌افتد هیچ زنی را برای به چالش کشیدن شورای نگهبان برای تعیین تکلیف «رجل سیاسی» معرفی نکرده است.

انتقادات به این حرکت جریان‌های سیاسی و احزاب وقتی جدی‌تر می‌شود که در میان احزاب چند حزب کاملاً زنانه سال‌هاست که در عرصه سیاست فعالیت می‌کنند، اما حتی این احزاب زنانه هیچ اقدامی مشابه آنچه اعظم طالقانی در طول انتخابات‌های گذشته انجام داد، صورت ندادند؛ «انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران»، «جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان»، «جمعیت زنان مسلمان نواندیش»، «جمع زنان اصلاح‌طلب»، «جمعیت زنان انقلاب اسلامی» و «زنان جمهوری اسلامی» این‌ها تنها نمونه‌ای از احزاب زنانه‌ای است که تا امروز قد علم کرده‌اند. احزابی که فارغ از اصلاح‌طلب و اصولگرا حضور زنان در انتخابات ریاست جمهوری را یک حق و مطالبه می‌دانند هیچ‌گاه کاندیدایی را انتخابات ریاست جمهوری معرفی نکردند و این منفعلانه‌ترین رفتاری بوده است که تا همین ساعت از احزاب سیاسی به‌ویژه احزاب سیاسی زنان می‌توان سراغ داشت.

حال باید دید در سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری، احزاب برای شکستن این انحصار قد علم خواهند کرد تا یک‌بار برای همیشه تکلیف «رجل سیاسی» مشخص شود یا همچنان منتظر می‌مانند تا دستی از غیب برون آید و کاری بکند؟

منبع: خبر آنلاین

که می‌توانند این شرایط را داشته باشند.»

البته در میان اسامی مطرح‌شده برای کاندیداتوری تنها معصومه ابتکار بود که درباره احتمال حضورش در انتخابات ۱۴۰۰ و پرکردن جای خالی اعظم طالقانی پاسخ داد. او در پاسخ به این سوال که شما به‌عنوان خانم که سابقه حضور در کابینه دولت را دارید، با توجه به اینکه زنده‌یاد اعظم طالقانی همیشه در انتخابات حضور پیدا می‌کرد ولو اینکه با شکست مواجه می‌شد، آیا این شجاعت را در خودتان می‌بینید که ادامه‌دهنده راه او باشید، گفت: «زنده‌یاد طالقانی خیلی شجاع بود و حتماً هستند زانی که ادامه‌دهنده راه او باشند، اما من برای حضور در انتخابات برنامه‌ای ندارم.»

دست روی دست احزاب

هفتمین انتخابات ریاست جمهوری بود که «اعظم طالقانی» نماینده مجلس اول، دختر آیت‌الله طالقانی و دبیرکل جامعه زنان انقلاب اسلامی مهمترین قدم را در مسیر تعیین تکلیف «رجل سیاسی» برداشت. او خود را به ساختمان وزارت کشور رساند تا به قول خودش آزمونی برای اصل ۱۱۵ قانون اساسی باشد و در طول همه انتخاباتی که ثبت‌نام کرد هیچ‌گاه مهر تایید صلاحیت پای درخواستش برای حضور در میدان رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری ننشست. اما غیر از دختر آیت‌الله طالقانی هیچ‌کسی در این مطالبه جامعه زنان همراه نشد.

نزدیک به ۳۰۰ حزب در وزارت کشور ثبت شده است که در میان اعضای آن‌ها حضور زنان هم به چشم می‌خورد. احزابی که سال‌هاست در میدان رقابت‌های انتخاباتی حضور تمام‌قدی دارند، اما در تمام ۱۲ دوره

باشد. اگر این معیارها، برای کاندیداها تعیین شود و بحث جنسیت چه زن و چه مرد نیز در این میان، مطرح نباشد آن زمان می‌توانیم ببینیم که چنین فردی به‌عنوان رییس‌جمهور روی کار آید و اداره کشور را برعهده، بگیرد.»

لطفاً... فروزنده از دیگر اصولگرایی بود که نسبت به کاندیداتوری زنان در انتخابات ریاست جمهوری واکنش نشان داد. البته صحبت‌های دو پهلوی معاون پارلمانی محمود احمدی‌نژاد هرچند ظاهری مثبت دارد، اما چندان هم قاطعانه به‌نظر نمی‌رسد و نهایتاً تشخیص این موضوع را به‌عهده شورای نگهبان می‌داند. او علی‌رغم بسیاری از کارشناسان که معتقدند منظور از «رجل» مرد بودن نیست گفت: «آنچه که استعمار به دنبال آن است این است که زنان ما را بی‌هویت کند، اما انقلاب اسلامی ما به دنبال حفظ حیا و عفت زنان در حین توسعه مشارکت آن‌ها در کشور است.»

او در ادامه با اشاره به احتمال کاندیداتوری زنان در انتخابات ۱۴۰۰ می‌گوید: به‌رحال در بحث حضور کاندیدای زن در انتخابات ریاست جمهوری، قانون اساسی داریم؛ قانون اساسی نیز چارچوبی را مشخص کرده که تشخیص آن هم با شورای نگهبان است و به غیر از شورای نگهبان، هیچ‌کس صلاحیت این مطلب را ندارد که آیا خانم‌ها می‌توانند، مصداق رجل سیاسی برای ریاست‌جمهور باشند یا خیر. اما آنچه که مهم است و باید به آن توجه کنیم حضور فعال خانم‌ها در بخش‌های مختلف اجرایی و سیاست‌گذاری است که اکنون داریم و می‌تواند، بیش از پیش پرتنگ‌تر شود.

مصادیقی برای کاندیداتوری زنان

هر بار که صحبت از کاندیداتوری زنان به میان می‌آید بلافاصله این سوال مطرح می‌شود که آیا کاندیدایی که بتواند در قد و قواره ریاست‌جمهوری ظاهر شود داریم؟ این سوال وقتی با زنان فعال در عرصه سیاست در میان گذاشته می‌شود نام چند نفر بیش از دیگران به گوش می‌رسد؛ «معصومه ابتکار»، «مرضیه وحیددستجردی» و «شهیندخت مولاوردی» این‌ها اسامی است که به‌عنوان گزینه‌هایی برای انتخابات ریاست جمهوری بر سر زبان‌ها می‌افتد؛ مثلاً فائزه هاشمی‌رفسنجانی می‌گوید: «یکی از ویژگی‌های خوبی که در این جریان اتفاق افتاده است این است که زنان اصولگرای ما مثل خانم رفعتی از ریاست جمهوری زنان حمایت کرده است و این موضوع فراخوانی است و هر دو جناح در این قضیه متحدالقول هستند؛ اگر بخواهم کسی را معرفی کنم فارغ از اینکه اصولگرا باشد یا اصلاح‌طلب؛ من فکر می‌کنم خانمی باید باشد که سوابق مدیریت کلان داشته باشد؛ به‌نظر من خانم ابتکار یا خانم وحیددستجردی یا خانم‌هایی که چند دوره در مجلس بودند این شرایط را دارند. زمانی که آقای احمدی‌نژاد رییس‌جمهور شد، دو سال شهردار تهران بود و بیشتر از این سوابق نداشت، بنابراین خانم‌هایی هستند که از لحاظ سوابق کاری و مدیریتی به‌عنوان رجل سیاسی شناخته شوند. خانم‌هایی که معاون وزیر یا معاون رییس‌جمهور بودند مثل خانم مولاوردی، هم می‌توانند این شرایط را داشته باشند و برای ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کنند. از نظر من، خانم‌های زیادی هستند



بوده است، بنیاد شهیدش را چه کسی اداره کرده است و تنها به گروهی خاص بسنده کنیم. در جنگ همه بودند و همین رمز توفیق بود.

وی افزود: یکی گفته بود ضدانقلاب خوب ضدانقلاب مرده است، ظاهراً در دید برخی انقلابی خوب هم انقلابی مرده است! می‌توانید بگویید فلان شخص از دید شما پیروز خوب بود و امروز بد است؛ از دید من هم پیروز خوب بود و امروز بد است، اما هیچ منافات ندارد با اینکه روزی با هم بوده‌ایم. اساساً اگر در جنگ همه با هم نبودند، دستی هم نبود که نگذارد به اندازه کف دست از این کشور جدا شود. همه با هم بودند. صف‌های نفت، گاز، کوپن و همه چیز ایجاد شد و یک‌نفر هم آخ نگفت. هر روز پیکر وارد شهرها شد، ولی سرها بلندتر شد. این به‌خاطر همه با هم بودن بوده است.

سیدحسن خمینی در پایان تاکید کرد: هیچ راهی برای عبور از هیچ بحرانی جز با همراهی مردم میسر نیست؛ و اگر همه با هم باشند هیچ بحرانی توان شکاندن کمر یک ملت را ندارد. همه با هم بودن به این معنی است که همه احساس کنند مالک کشور و انقلاب هستند. اگر این اندیشه را نپسندیدند می‌توانند آن را عوض کنند. عبور از هر مسیر سختی با همراهی مردم ممکن است.

منبع: جماران

یادگار امام با اشاره به سخنان اخیر رهبر معظم انقلاب در خصوص نقش امام راحل در فرماندهی دفاع مقدس، گفت: توجه ایشان به این نکته بسیار دقیق و قابل درس‌آموزی است. امام اول کار و قبل از هر چیز به مردم توجه کردند و به همه فهماندند که جنگ جنگ سپاه و ارتش و عمرو و زید و غیره نیست و جنگ مردم است. اگر «همه با هم» شدند پیروز می‌شوند؛ حتی اگر شکست هم بخورند پیروز هستند، به‌خاطر اینکه در اثر این حماسه یک ملت می‌شوند و خون‌های آن‌ها به هم گره می‌خورد.

وی با بیان اینکه در انقلاب هم همین روحیه حاکم بود، تصریح کرد: من نمی‌گویم اگر کسی مقابل امام می‌ایستاد می‌توانست مقابل موجی که در روح و جان مردم به نفع امام به‌وجود آمده بود، بایستد، اما خیلی‌ها می‌خواستند با دمیدن در منبت‌ها، دیگران را دچار توهم کنند. ولی فراموش نکنیم که با همه دسیسه‌ها و شیطنت‌ها کسی مثل آقای طالقانی دچار منبت نبود و هرگز نخواست که تقابل کند و هر چه به او گفتند و برایش خواندند نایستاد. گفت: پرچم روی دوش امام است؛ چه بهتر که یکی دیگر بار را بردارد.

یادگار امام در خصوص تحریف دفاع مقدس نیز گفت: به‌نظر من این تحریف نیست، مضحکه است که قصه جنگ را بگوییم و نگوییم فرمانده جنگ آقای هاشمی بود و نگوییم نخست‌وزیرش چه کسی

آش پشت پا درست کند، وقتی پیکرش وارد شهر می‌شود یک شهر به تشییع او بیایند و وقتی به مرخصی می‌آید و در محله قدم می‌گذارد روی دوش تک‌تک مردم برود و چشم و چراغ یک ملت باشد و همه با هم پشت او بایستند.

سیدحسن خمینی اظهار داشت: شنیده‌ام که مادر شهیدی پیش امام می‌آید و می‌گوید سه پسر من شهید شده‌اند. امام منقلب می‌شوند و اشکی به چشمشان می‌آید. مادر آن سه شهید به امام می‌گوید سه بچه‌ام را داده‌ام که اشک در چشمت نبینم؛ من بچه نداده‌ام که تو گریه کنی. کدام فرمانده کل قوایی است که این جمله را بشنود و نتواند دستور شکست حصر آبادان را بدهد؟! شما که جنگیده‌اید قسمت بیرون یخ بوده‌اید؛ در حالی که این مقاومت و دفاع کوهی در درون اعماق جامعه بود.

وی تاکید کرد: اگر بخواهم استراتژی امام در انقلاب و جنگ را بگویم این یک جمله است. کودتای نوزده که صورت گرفت، امام گفتند بلند شدید و بمباران کردید، بالاخره این هواپیما می‌خواست بنشیند؛ با مردم کوچه و بازار چه می‌کردید؟ این هواپیما که تا آخر در هوا نمی‌ماند. بحث نقش مردم یک واقعیت است و البته در تضاعف با رفتار امام است. یعنی او آن‌ها را باور دارد و آن‌ها به او اتکا دارند؛ او تشویق می‌کند و آن‌ها در او نیرو می‌بخشند.

تفصی

اردوگاه اصلاحات برخلاف اردوگاه اصولگرایان حال و روز خوشی ندارد، هنوز تکلیف این جریان با انتخابات ۱۴۰۰ مشخص نشده است و معلوم نیست آیا حضور پررنگ خواهند داشت یا گوی و میدان را برای رقیب راست‌نشینان خالی خواهند کرد.

بعد از سه انتخابات امیدبخش برای اصلاح‌طلبان حالا در این اردوگاه نومییدی بیشتر حس می‌شود. بدنه رای اصلاح‌طلبان بعد از چند دوره حضور پررنگ در پای صندوق‌های رای حالا با شک و تردید درباره حضوری دیگر بار حرف می‌زند و عملکرد اصلاح‌طلبان طی سال‌های اخیر حضور در قدرت را رضایت بخش نمی‌داند.

اکنون که اصولگرایان در حالت آماده‌باش انتخاباتی قرار گرفته‌اند و هر طیف از آن‌ها به‌طور جدی کلید انتخابات را زده است، مناقش‌های در بین اصلاح‌طلبان بر سر نگاه به انتخابات ۱۴۰۰ وجود دارد. در حال حاضر برای اصلاح‌طلبان می‌توان سه حالت متصور شد: ۱- اصلاح‌طلبان وارد انتخابات می‌شوند ولو مانند گذشته با یک جریان ائتلاف کنند؛ این نگاه واقع‌گرایانه بیشتر بین جریان راست اصلاح‌طلب مثل کارگزاران دیده می‌شود که با میانه‌روهای اصولگرا میانه بدی ندارند. ۲- اصلاح‌طلبان وارد انتخابات می‌شوند اما تنها با کاندیدای اختصاصی خود؛ افراد معتقد به این دیدگاه آن‌هایی هستند که فاصله گرفتن جامعه مدنی از خود را حس کرده‌اند، اما کماکان کورسویی از امید در خود دارند و معتقدند با حضور مشروط می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. ۳- برخی تحلیل‌گران هم فاصله گرفتن جامعه مدنی را مشاهده کرده‌اند. آن‌ها این فاصله را جدی‌تر از این حرف‌ها می‌دانند به‌طوری که معتقدند با حضور اصلاح‌طلب‌ترین فرد در انتخابات -به فرض حل‌شدن مساله تاییدصلاحیت‌های شورای نگهبان- گره از کار فروبسته اصلاح‌طلبان باز نخواهد شد و ضرورت دارد تا چند سالی دور از قدرت به بازسازی و اصلاح جریان و بدنه افکار عمومی این جریان مبادرت کرد.

مجمع روحانیون میدان‌دار می‌شود؟

اخیراً نامه‌ای سرگشاده از آیت‌ا... محمد موسوی خوئینی‌ها که به پدرخوانده اصلاح‌طلبان شهرت دارد منتشر شد که خطاب به اصلاح‌طلبان تاکید کرده بود این جریان سیاسی باز هم باید مردم را به مشارکت در انتخابات دعوت کند. در این نامه چیزی جز تاکید به حضور در انتخابات نوشته نشده بود، اما نامه این پیام را به همراه داشت که مجمع روحانیون مبارز با وجود فضای نومییدی، قرار است بازیگر میدان انتخابات ۱۴۰۰ شود. اما چگونگی این نقش‌آفرینی را شاید بتوان با گذشت زمان به آن پاسخ داد.

عبدالواحد موسوی‌لاری، وزیر کشور دولت اصلاحات و عضو دیگر مجمع روحانیون مبارز نیز هفته گذشته در گفت‌وگو با ایرنا هدف اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده را معرفی نامزد واحد و آشتی مردم

نقد

اقدامات عجیب رییس‌جمهور سابق برای بازگشت به پاستور

ائتلاف محمود احمدی‌نژاد و آنجلینا جولی

محمود احمدی‌نژاد، رییس‌جمهور سال‌های دور کشورمان کسی است که هنوز هم مانند زمان ریاست‌جمهوری‌اش نامی پررنگ به‌نظر می‌آید و از مدت‌ها قبل هم زرمه حضورش در انتخابات سال آینده ریاست‌جمهوری بر سر زبان‌ها افتاده است.

روسای‌جمهور هر کشوری در زمان چهار ساله ریاست خود بر دولت و یا شاید در خوش‌بینانه‌ترین حالت زمانی هشت ساله همیشه در راس اخبار قرار می‌گیرند؛ چه اخبار داخلی و چه اخبار خارجی. اما پس از پایان دوره ریاست، همان افرادی که روزی اسمشان ورد زبان پیر و جوان بود کم‌کم به کناره می‌روند، اما این موضوع در مورد یک نام فرق می‌کند؛ نامی مثل محمود احمدی‌نژاد.

عباس امیری‌فر از چهره‌های بسیار نزدیک به احمدی‌نژاد درباره حضور او گفته است که شک ندارم او برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ می‌آید و پیش‌بینی می‌کنم مانند سال ۹۶ که دست در دست حمید بقایی برای انتخابات ثبت‌نام کرد، این‌بار همراه با آقای الهام وارد این رقابت‌ها خواهد شد. اینطور که من رصد می‌کنم آقای غلامحسین الهام تنها چهره نزدیک به احمدی‌نژاد است که احتمال تایید صلاحیت‌شدن را دارد و از آنجا که او تا امروز درباره



آیا اصلاح‌طلبان بدون قید و شرط وارد گود انتخابات می‌شوند یا نه؟ جدال اتحاد ملت با کارگزاران!

میدان باقی ماند و فهرست انتخاباتی منتشر کرد. «کارگزاران راهبرد خود را تلاش برای اصلاح امور مختلف در جمهوری اسلامی و انتخابات را مهمترین ابزارهای اصلاح امور می‌داند.» این ماحصل برگزاری جلسه شورای مرکزی حزب کارگزاران به ریاست محسن هاشمی با موضوع انتخابات ۱۴۰۰ است که یک ماه پیش برگزار شد.

در این جلسه پیشنهادهای کمیته سیاسی حزب برای ورود به انتخابات ۱۴۰۰ مطرح و تصویب شد که از مصوبات آن، حمایت کارگزاران از یک نهاد فراگیر و هماهنگ‌کننده برای حضور در انتخابات ۱۴۰۰ در جبهه اصلاحات بوده است.

همچنین چند کاندیداهای منسوب به این حزب نیز مطرح شد که البته

با انتخابات عنوان کرد.

موسوی‌لاری می‌گوید: اگر متولیان انتخابات قانونمند حرکت کنند و مردم احساس کنند که رای‌شان محترم است، شرکت می‌کنند و اگر مردم پای صندوق‌ها بیایند اصلاح‌طلبان پیروز خواهند بود. در چنین فضایی، اصلاح‌طلبان می‌توانند به اجماع و نقطه نظر واحد برسند. او معتقد است: اگر بزرگان اصلاحات اراده جدی داشته باشند این کار شدنی است و خیلی دست‌نیافتنی نیست.

کارگزاران و چهار، پنج کاندیدای ریاست‌جمهوری

فعال‌ترین جریان در اردوگاه اصلاحات حزب کارگزاران است که با وجود غیبت دیگر اصلاح‌طلبان در صحنه انتخابات مجلس یازدهم باز هم در

دهم به محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی نامه نوشته و این نامه را با عبارت «عالیجناب محمد بن سلمان بن عبدالعزیز آل سعود ولیعهد محترم عربستان سعودی» آغاز کرده است.

ناگفته نماند که احمدی‌نژاد در این نامه از ولیعهد عربستان به‌عنوان «مرد صلح» یاد کرد و نوشته است که عالیجناب من می‌دانم که شما در خصوص شرایط کنونی که مردم بی‌گناه هر روز کشته و زخمی می‌شوند و زیرساخت‌ها تخریب می‌شوند، خشنود نیستید. او از بن سلمان خواسته تا برای ایجاد صلح گام برداشته تا میراث خود را حفظ کند! نکته قابل‌تأمل دیگر این نامه پایان آن است. احمدی‌نژاد در خاتمه و امضای نامه خود نوشته است: برادر شما محمود احمدی‌نژاد. این اقدام احمدی‌نژاد که در خارج از کشور بسیار بازخورد داشت؛ همچنین از دید شخصیت‌های سیاسی داخلی هم مغفول نماند، برای مثال یعقوب رضازاده، عضو هیات‌رییسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گفته است: معتقدم نامه به بن سلمان آن هم در شرایطی که وی در منطقه مشغول جنایت بشری است، به هیچ عنوان درست نیست.

او در ادامه تاکید کرده که مورد خطاب قرار دادن حاکمانی که جنایت‌هایشان کاملاً مشخص است در حال حاضر همراهی و تایید اقدامات عربستان در منطقه علیه مسلمانان یمنی و سایر اقدامات خصمانه آمریکا است و به نوعی مشروعیت‌بخشیدن به اعمال این دولت است، معتقدم این اقدام احمدی‌نژاد خلاف سیاست‌های دیپلماتیک فعلی ماست.

اما هنوز چندی از این ماجرا نگذشته بود که محمود احمدی‌نژاد در

رفتارهای محمود احمدی‌نژاد سکوت کرده می‌تواند او را معرفی کند و پشت‌سر او قرار بگیرد.

احمدی‌نژادی که صادق زیباکلام نیز در تحلیلی قصد بازگشتش را محتمل دانسته و به قول ناصر ایمانی تحلیل‌گر مسائل سیاسی قطعاً تصمیم جدی برای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ دارد. زیباکلام معتقد است که شورای نگهبان احمدی‌نژاد را رد صلاحیت می‌کند، ضمن اینکه شرایط اجتماعی در آینده نیز به نفع احمدی‌نژاد نیست.

حال اما شاید بد نباشد که ببینیم پوشیدن مجدد ردای ریاست‌جمهوری تا چه میزان برای احمدی‌نژاد محتمل است، آن هم با شرایطی که خود او رقم می‌زند و اقداماتی که هرازچندگاهی در عرصه سیاست از او می‌بینیم.

اما احمدی‌نژاد شاید این روزها تبدیل به تندبسی از اقدامات تعجب‌برانگیز در جامعه شده باشد که ناخودآگاه باعث شده تا هر فرد عاقلی انگشت حیرت گرفته و با تعجب به او و اقداماتش خیره شود. برای مثال مردادماه امسال بود که خبری عجیب و غریب تیترا ابتدایی رسانه‌ها شد، مبنی بر اینکه محمود احمدی‌نژاد، رییس دولت نهم و

کارگزاران بلافاصله آن را تکذیب کرد. یک ماه پیش مطلبی منتشر شده بود که حاکی از آن بود که کارگزاران برای انتخابات آینده پنج گزینه در نظر گرفته است. سردار حسین دهقان وزیر دفاع دولت یازدهم، علی لاریجانی رییس پیشین مجلس، حجت الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی، در کنار اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت روحانی و محسن هاشمی رفسنجانی، فرزند ارشد مرحوم هاشمی که دو گزینه آخر گزینه‌های حزبی هستند، نامشان مطرح شده بود. اما در بیانیه حزب کارگزاران ضمن تکذیب این مطلب گفته شده بود: «حزب کارگزاران سازندگی ایران طبق برنامه از پیش تعیین شده، تا به امروز تلاش خود را در سطح درون حزبی معطوف به تصویب شکل و نوع ورود به انتخابات ریاست جمهوری سال آینده نموده و قاعدتا به سطح بررسی مصادیق و حتی برنامه‌های انتخاباتی نرسیده است.»

با این حال حسین مرعشی در گفت‌وگویی با روزنامه شرق می‌گوید: این حزب چهار کاندیدا برای انتخابات آینده دارد. او در پاسخ به اینکه آیا حزبش با علی لاریجانی درباره انتخابات دیداری داشته گفته: حزب کارگزاران تاکنون هیچ دیداری با آقای لاریجانی نداشته است و اصلاً معلوم نیست که خود او بخواهد به عرصه انتخابات وارد شود یا خیر. کارگزاران اکنون چهار نامزد حزبی دارد و نیازی ندارد از آقای لاریجانی حمایت کند.

اتحاد ملتی‌ها بی‌قید و شرط نمی‌آیند

کارگزاران، طیف راست اصلاح‌طلبان که خود را هنوز زیر سایه مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی می‌بیند با طیف چپ اصلاح‌طلبان مثل اتحاد ملت که سایه جبهه مشارکت بر آن افتاده متفاوت فکر می‌کند. سعید حجاریان، تئوریسین شاخص اصلاح‌طلبان معتقد است: شاید عقلانی‌ترین راهبرد را بتوان در «مشارکت مشروط» جست؛ از فرصت انتخابات استفاده کرد ولی چنانچه شروط مطرح شده برآورده نشد، عطای انتخابات را به لقایش بخشید. عبدا... ناصری، عضو بنیاد باران همین اعتقاد را دارد. مصطفی تاجزاده، معاون سیاسی دولت اصلاحات و عضو حزب منحل اعلام شده مشارکت نیز معتقد است: با استراتژی حضور بی‌قید و شرط در قدرت تاثیرگذاری نخواهیم داشت و اصلاحات را بی‌هویت و بی‌خاصیت و جامعه را منفعل می‌کنیم.

سعید شریعتی، عضو حزب اتحاد ملت نیز بر مشروط‌شدن معرفی کاندیدا از سوی اصلاح‌طلبان تاکید کرده و به برنا گفته: حمایت جبهه اصلاحات از هر کاندیدا مشروط به دو اصل است: نخست ارائه برنامه و دوم ملزم‌شدن به این مهم که اصلاح‌طلبان، نهایت از یک کاندیدا حمایت می‌کنند و آن کاندیدا طی یک مکانیزم نظرخواهی عمومی انتخاب می‌شود.

آذر منصوری دیگر عضو این حزب اصلاح‌طلب نیز در ارتباط با امکان ائتلاف اصلاح‌طلبان به این گفته: هنوز هیچ بحث و جمع‌بندی در مجموعه اصلاح‌طلبان در مورد نوع و چگونگی ورود به انتخابات و یا مصادیق آن

صورت نگرفته است، اما آنچه روشن است و بر مبنای تجربه‌ای که در انتخابات ۹۸ پشت سر گذاشتیم، بعید است اصلاح‌طلبان بدون حضور کاندیدای اختصاصی خود در انتخابات پیش‌رو مشارکت جدی داشته باشند.

البته علی صوفی، وزیر رفاه دولت اصلاحات هم که عضو اتحاد ملت نیست نیز بر حضور مشروط در انتخابات تاکید دارد و به خبرآنلاین می‌گوید: اصلاح‌طلبان دیگر حاضر نیستند که بدون قید و شرط در انتخابات شرکت کنند و کاندیدا داشته باشند و دیگر قرار نیست که اصل را بر شرکت در انتخابات بگذارند و نتیجه برای آن‌ها فرع باشد. ضمن این که واقعیت این است که دیگر اصلاح‌طلبان آن مقبولیت سابق را در میان مردم ندارند.

برای چه کسی شرط می‌گذارید؟

اما نگاه حضور مشروط در انتخابات به مذاق برخی دیگر از اصلاح‌طلبان خوش نمی‌آید. در این میان می‌توان به بهزاد نبوی، عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اشاره کرد که با وجود آنکه جزو طیف‌های چپ اصلاح‌طلب به‌شمار می‌رود، اما با کارگزاران هم‌داستان است.

سال گذشته بود که بهزاد نبوی در نشست در حزب ندای ایرانیان از رویکرد حضور مشروط در انتخابات انتقاد کرد و گفت: جزو افرادی هستم که به حضور بی‌قید و شرط و پرشور در انتخابات معتقدم. کسانی که می‌گویند شرکت نمی‌کنیم اصلاح طلبی را جوری دیگر می‌فهمند و معتقدان به مشارکت مشروط این شرط را برای چه کسی می‌گذارند؟ مخالفان اصلاحات در ظاهر از حضور گسترده استقبال می‌کنند، اما از حضور نیافتن ما خیلی خوشحال می‌شوند چون در این صورت امکان پیروزی دارند در حالی که حضور پرشور موجب پیروزی طیف اصلاحات می‌شود.

محمدرضا عارف و چندین سال سوال

در این میان طیف محمدرضا عارف را نمی‌توان نادیده گرفت. او پس از پیروزی حسن روحانی به‌واسطه کناره‌گیری‌اش از انتخابات ۹۲ تاکنون به‌عنوان یکی از نامزدهای بالقوه ۱۴۰۰ مطرح شده است. در آخرین روزهای شهریور گذشته سایت امیدنامه نزدیک به این چهره سیاسی به بیان چند نکته درباره انتخابات ۱۴۰۰ پرداخت که موضع این طیف را در انتخابات روشن می‌کند. در این یادداشت آمده است: جریان اصلاح‌طلب به هیچ وجه از کاندیدای نیابتی و غیراصلاح‌طلب حمایت نخواهد کرد. همچنین در این یادداشت نوشته شده است: تجربه انتخابات سال ۹۲ نشان داد که جریان اصلاح‌طلب نباید تسلیم برخی نظرسنجی‌ها (بخوانیم نظرسنجی‌ها) شود. از این‌رو با درس‌گرفتن از این تجربه، افق انتخابات ۱۴۰۰ از این حیث تا حدودی مشخص و روشن است به همین دلیل اظهارنظرهایی که در خصوص احتمال حمایت از کاندیدای نیابتی و غیراصلاح‌طلب می‌شود صرفاً اظهارنظر شخصی افراد می‌باشد و قابلیت

اعتنا ندارد.

حسین مرعشی در گفت‌وگویی که با برنا داشته از آغاز فعالیت انتخاباتی محمدرضا عارف و اسحاق جهانگیری خبر داده بود.

خرازی چشم به پاستور دارد

حزب ندای ایرانیان هم یک طیف نواصلاح‌طلب محسوب می‌شود و خواهان حضور در رقابت‌های انتخاباتی ۱۴۰۰ است. اخیراً شنیده شد که جمعی از اعضای حزب ندای ایرانیان به منزل صادق خرازی رفتند و از او خواسته‌اند که نامزد انتخابات شود. برخی مدعی شده‌اند صادق خرازی به این خواسته جواب مثبت داده است. حزب ندا از جمله احزابی است که در طی سال‌های گذشته خواهان حضور در انتخابات بود. حتی در انتخابات مجلس گذشته نامزدهایی را معرفی کرده بود.

اصلاح‌طلبی مرده است یا باید به تعطیلات برود؟

با وجود آنکه گروه‌های اصلاح‌طلب معتقد به حضور در انتخابات هستند برخی تحلیل‌گران نیز معتقدند اصلاح‌طلبان فعلاً باید کمی به خود استراحت بدهند و از فضای سیاسی به دور باشند. محمدرضا تاجیک سال گذشته در مصاحبه‌ای گفته بود: ما باید به چهره‌ها و نیروهای جدید مجال بدهیم؛ به کسانی که پر از استعداد هستند، اما رویت نمی‌شوند. پس باید به کسانی که خود را ژنرال‌های جریان اصلاح‌طلبی تعریف کرده‌اند و یک مقدار به تعطیلات تاریخی و استراحت احتیاج دارند، اجازه بدهند نیروهای باطراوت و بانگیزه وارد صحنه شوند تا جریان جدید اصلاح‌طلبی بر دوش اینان قرار بگیرد. در این صورت، شاید بتوانیم جریان اصلاح‌طلبی را بازسازی کنیم.

تاجیک در گفت‌وگویی با خبرآنلاین نیز گفته: امروز، جریان اصلاح‌طلبی دوران برزخ یا کسوف خود را می‌گذراند، زیرا که از رویارویی با چالش‌های نظری و عملی تاریخ اکنون خود، که مقوله‌ها و مفهومی‌های مالوف و مرسوم اصلاح‌طلبی را به‌تدریج از درون تهی کرده‌اند، سر باز می‌زنند، و به تبع، به لحاظ کنشی نیز دچار نوعی پرتاب‌شدگی از مرحله کنش اکنون خود شده است. اما کاملاً معتقدم که وجه زمانی اصلاح‌طلبی آینده است، یعنی قرار است همواره در حال آمدن باشد. با این بیان می‌خواهم با دریدا هم‌صدا شوم و بگویم: اصلاح‌طلبی مرده است چون «آن چه می‌میرد، از قدرت خاصی برخوردار می‌شود!» این قدرت، قدرت اشباح آن است که در کالبد هر کنش سیاسی - اجتماعی و هر اراده معطوف به مقاومت و تغییر در اکنون و فردایی که در راه است، حلول کرده و هر لحظه اصلاح‌طلبان را به خود می‌خواند و با مخاطب قراردادن و استیضاح مداوم آنان، و فراخواندن آنان به تغییر استراتژی و تغییر استراتژیک، این امکان و مجال دوباره را به آنان می‌دهد که کماکان به‌مثابه سوژه‌های سیاسی و کارگزاران تغییر تاریخی جامعه خود باقی و مطرح بمانند.

منبع: خبرآنلاین



گفت‌وگو با شبکه خبری US IRAN TV در خصوص روابط ایران و آمریکا گفت: از ترامپ انتظار می‌رود روابط بین دو کشور را بهتر کند تا این دو کشور بتوانند در همه زمینه‌ها با هم همکاری کنند و پیشتانز باشند این اتفاقات با مشارکت همگان امکان‌پذیر است.

موضوعی که عباس امیری‌فر، رییس شورای فرهنگی و امام جماعت مسجد نهاد ریاست‌جمهوری در دولت احمدی‌نژاد، درباره آن گفته است: در زمان ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد اگر فردی با رسانه‌های خارجی مصاحبه می‌کرد، احمدی‌نژاد برخورد و تهدید می‌کرد و به همه دستور می‌داد که حق نداری با رسانه‌های خارجی از جمله رادیو فردا و مواردی از این قبیل گفت‌وگو کنید و می‌گفت هر کسی این اقدام را انجام دهد و از دستور سرپیچی کند، مجازات شود، اما در حال حاضر نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده که خودش مصاحبه می‌کند. در واقع یک سیاستمدار که عقل سیاسی داشته باشد با رادیو فردا که یک رسانه معاند است گفت‌وگو نمی‌کند، البته مشخص نیست ممکن است این اقدام او ناشی از مشورت نامناسب باشد.

زمان گذشت و گذشت، اما اقدامات عجیب احمدی‌نژاد نه تنها تمام نشد، بلکه با شدت بیشتری ادامه یافت، مثلاً او این بار در یک اقدام بی‌سابقه دیگر، آنجلینا جولی بازیگر هالیوودی را خطاب قرار داد و در توییتری نوشت: با صحبت صریح شما درباره وجود تبعیض بنیادین در جهان موافقم؛ تبعیض، فقر، جنگ و ناامنی محصول مدیریت فعلی است که بر قدرت‌طلبی و سلطه‌جویی استوار است، جامعه انسانی نیازمند احترام، صحبت، همکاری و صداقت است؛ برای اصلاح وضع جهان همه با هم و متحد تلاش خواهیم کرد.



نشان ماندگار
فایده هیچ کاری نمی کند مگر پنهان کردن معنا.
رولان بارت



طرح جلد:
واسکو گارگالو

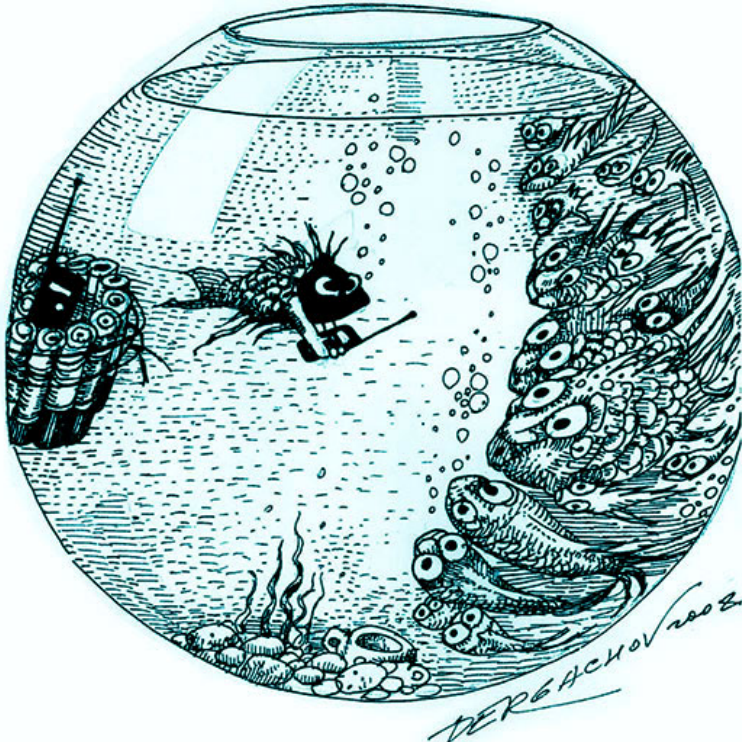
یاد و یادگار

آیه گار

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد آیتی
- سردبیر: امیر حسین مصلی
- مدیر هنری: عالییه اعتمادیان
- وب سایت: www.ayatemandegar.ir
- آدرس: نواب، خیابان محبوب مجاز غربی، کوچه پرستو، مجتمع سرو ۳، زنگ ۹، طبقه سوم، واحد ۱
- تلفن: ۵۵۴۳۶۳۸۲
- چاپ: نقش افست گرافیک
- پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

نگاری

Oleg dergachof
کارتنیست اهل روسیه



سرمقاله

حساب ۱۰۰ امام کجاست؟



مهدی آیتی
کارتون‌ساز و شهساز

در سال اول پیروزی انقلاب، به دستور امام خمینی (ره) و به منظور خانه‌دار شدن اقشار مستضعف و آسیب‌پذیر، حساب شماره ۱۰۰ به نام امام در تمام بانک‌های سراسر کشور گشوده شد تا مردم علاقه‌مند بتوانند با کمک‌های خود و حمایت دولت در جهت مسکن‌دار شدن اقشار محروم و کم‌درآمد همت گمارند.

در آن سال‌های دور چنین به نظر می‌رسید که در یک برنامه پنج ساله می‌توان با حساب ۱۰۰ امام همه مردم محروم را صاحب مسکن نمود و مشکل زمین و مسکن را برای همیشه در کشور حل کرد. امروز بعد از گذشت ۴۲ سال از آن دستور مهم، متأسفانه نه تنها اکثر مردم محروم صاحب مسکن نشده‌اند، بلکه حساب ۱۰۰ امام هم در داخل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به فراموشی و تاریخ سپرده شد و هیچ‌یک از دستگاه‌های نظارتی مملکت اعم از مجلس و غیره هرگز در صدد پی‌جویی و پیگیری این موضوع مهم برنیامده‌اند.

اگر در همان سال‌های اول انقلاب که مردم روحیه ایثار و فداکاری بیشتری داشتند به‌طور جدی این موضوع تعقیب و رسیدگی می‌شد شاید تا به امروز ما شاهد تحولات اساسی در بخش مهم زمین و مسکن در کشور می‌بودیم.

این روزها که قیمت همه کالاها در کشور به‌صورت هیجانی، حبابی و غیرواقعی به‌طور سرسام‌آور و افسارگسیخته هر صبح و شام در حال افزایش است دیگر هیچ‌امیدی به حل مشکل مسکن محرومان در کشور نیست.

به‌نظر می‌رسد مدیران جمهوری اسلامی در تمام این سال‌ها یک اشتباه تاریخی انجام داده‌اند و آن اینکه زمین‌های ملی و انفال را ندانسته و سنجدیده به مردم و ارگان‌های دولتی و حکومتی واگذار کردند و امروز دولت با کمبود شدید زمین مواجه است.

شاید از روز اول نمی‌بایستی زمین‌های ملی به کسی واگذار می‌شد، بلکه شایسته بود این زمین‌ها همیشه به‌عنوان ثروت و دارایی دولت و حکومت باقی می‌ماند و به‌صورت امانت و اجاره در اختیار مردم و ارگان‌ها قرار می‌گرفت.

زمین‌های ملی همانند جنگل‌ها، دریاها و معادن، ثروت ملی و متعلق به همه مردم است و دولت‌ها حق ندارند آن‌ها را به‌طور قطعی و دائمی به کسی ببخشند یا بفروشند. همیشه باید این زمین‌ها به‌عنوان ذخایر و ثروت ملی پابرجا باقی بماند.

اگر از سال‌های اول انقلاب، مدیران و دولتمردان، زمین‌های ملی شهری و غیرشهری را حفظ می‌کردند و اعیانی آن‌ها را به مالکیت مردم درمی‌آوردند، امروز با این همه بورس‌بازی، زمین‌بازی، زمین‌خواری و نرخ غیرواقعی و خارج از عرف مواجه نمی‌شدیم.

زمین به‌عنوان پایه اقتصاد ملی می‌تواند نقش تعیین‌کننده در کنترل قیمت زمین، مسکن و ساختمان‌سازی داشته باشد و اگر زمین‌های ملی، در اختیار دولت باقی بماند آنگاه می‌توان با سیاست‌های سنجدیده دولت، مجلس و نهادهای مردمی و حکومتی برای مسکن‌سازی، شهرسازی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، اقدام عملی نمود.

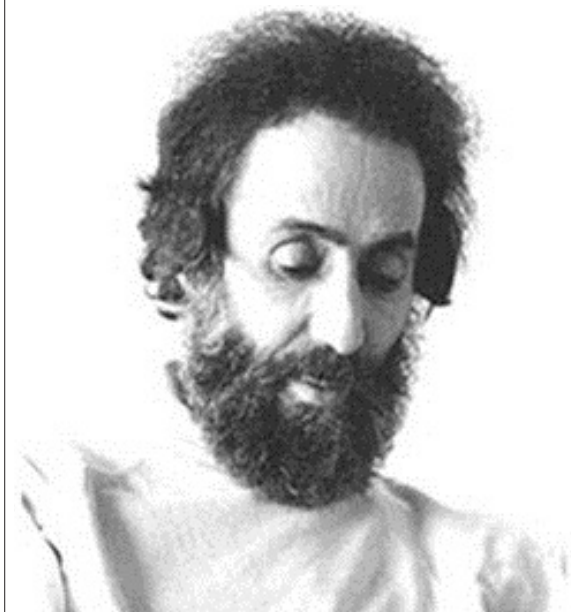
به‌رحال یادآوری این نکته ضروری است که بدانیم زنده‌کردن حساب ۱۰۰ امام در کنار موضوع زمین‌های ملی تنها راه‌حل نجات کشور از نرخ‌های غیرواقعی زمین و مسکن بوده و می‌تواند رشد ساخت و ساز شهری و روستایی را تنظیم و کنترل نماید.

حساب ۱۰۰ امام با پشتوانه مردمی و دولتی می‌تواند به‌خوبی در قالب یک برنامه ۲۰ ساله، نیمی از مردم کشور را از مسکن حداقل برخوردار نماید. این مهم زمانی عملی خواهد شد که دولتمردان و سیاستمداران ما به آن اعتقاد قلبی و التزام عملی داشته باشند.

شعرخوانی

زندگی رسم خویشاوندی است
زندگی بال و پری دارد با وسعت مرگ
پریشی دارد اندازه عشق
زندگی چیزی نیست که لب طاقچه عادت از یاد من و تو برود
زندگی حس غربی است که یک مرغ مهاجر دارد
زندگی سوت قطاری است که در خواب پلی می‌پیچد
زندگی مجذور آینه است
زندگی گل به توان ابدیت
زندگی ضرب زمین در ضربان دل ماست
زندگی هندسه ساده و یکسان نفس‌هاست

سهراب سپهری



Offset Graphic

مجتمع چاپ و بسته بندی افست گرافیک

متخصص در ایده پردازی و تولید
بسته بندی‌های لوکس در صنایع
پوشاک، شکلات و شیرینی، آرایشی و بهداشتی

قابلیت چاپ بر روی انواع کاغذهای

پشت چسبدار، PVC، ترانسپارنت

و کاغذهای سنگی در گرماژهای مختلف

۸۲ ۲۶ ۸۵ ۸۸ - ۸۲ ۷۶ ۷۳ ۶۶

۳۴ ۲۶ ۸۵ ۸۸ - ۱۶ ۸۴ ۷۳ ۶۶

۳۱ ۲۶ ۸۵ ۸۸ - ۴۳ ۸۰ ۷۳ ۶۶

سفارشات: داخلی ۱۰۵-۱۰۲